

پیمان ساواک با موساد

○ محمد تقی تقی پور

۱۱۱

اشاره

شماری از تاریخ نگاران، آگاهان و کارشناسان علوم سیاسی از حضور و نفوذ عمیق و همه جانبه بنی اسرائیل در ایران عصر پهلوی، با عنوان سیطره بی بدیل صهیونیسم در این کشور یاد کرده اند. سلطنت پهلوی علاوه بر ارتباط گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی با اسرائیل فضای مناسب و مطلوبی برای فعالیت یهودی ها و کانون ها و مجامع صهیونی در کشور فراهم آورده بود؛ به گونه ای که این جماعت در جغرافیایی به پهنه ایران از همه گونه آزادی عمل برخوردار بودند.

موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیکی، همجواری با شماری از کشورهای اسلامی و عربی منطقه، هویت فرهنگی و دینی مردم، وابستگی و پیوستگی دستگاه حاکمه پهلوی به اردوگاه نظام سلطه جهانی، سابقه و حضور یهودی ها در این سرزمین و...، دلیل و شاخص عمده و اساسی انتخاب کشور ایران از سوی سازمان جهانی صهیونیسم بود.

یان بلک و بنی موریس در کتاب "جنگ های نهانی اسرائیل" با یادآوری موقعیت سوق الجیشی و منطقه ای، هویت اسلامی و بعضی دیگر ویژگی های ایران، از این سرزمین با عنوان «گوهر تابناک»^(۱) برای سران و رهبران صهیونی، در مسیر استراتژی صهیونیسم یاد کرده است.

در اسناد و گزارش های به کلی سری بر جای مانده از دوران پهلوی چنین یادآوری و تصریح شده است: واضح و روشن است که «برای اسرائیل» فعالیت از کشور ثالث که ضمن همجواری با کشورهای عربی، دارای روابط حسنه با آنها بوده و از نظر مذهبی نیز دارای علایق با اعراب هستند، مثمرتر

خواهد بود.

کارشناسان ذی ربط ساواک در گزارش‌ها و تحلیل‌های طبقه‌بندی شده و درون سازمانی خود، وجود بعضی ابزارها، امکانات و زمینه‌ها را، موقعیتی ممتاز و بستری ایده‌آل و مطلوب برای تکاپوی صهیونیست‌ها، به ویژه سرویس اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در ایران ارزیابی کرده‌اند:

امکانات کشور هدف به منظور انجام فعالیت‌های اطلاعاتی:

۱- وجود بیش از چهل هزار اقلیت یهودی در ایران.

۲- وجود تعداد زیادی از کلیمیان کشورهای عربی به ویژه عراق که در اثر عدم پذیرش جوامع مذکور به ایران مهاجرت کرده و به تدریج به تابعیت دولت شاهنشاهی ایران درآمده‌اند. طبق سوابق موجود عده‌ای از این افراد قبلاً در کشورهای عربی به نفع اسرائیل همکاری داشته و در کشور شاهنشاهی ایران نیز ارتباط خود را با اعضای سرویس زیتون «اسرائیل» و همچنین سایر اعضای نمایندگی اسرائیل حفظ و فعالیت‌های اطلاعاتی نیز بعضاً از آنها مشاهده شده است.

۳- وجود دموکراسی و آزادی مذهب در کشور شاهنشاهی ایران به بهترین وجه برای کلیه اقلیت‌های مذهبی به ویژه اقلیت کلیمی.

۴- اتکا به ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و مالی که جامعه یهود در طی سالیان دراز در اغلب کشورهای جهان بوجود آورده‌اند و استفاده و تغذیه کامل از کلیه این امکانات.

۵- استفاده از ایدئولوژی صهیونیسم در بین اقلیت کلیمی ایران.

۶- داشتن سازمانهای وسیع فرهنگی و مذهبی و تبلیغات در کلیه کشورهای جهان به ویژه کشورهای اروپایی و آمریکایی و تغذیه مؤثر از این مؤسسات چه از نظر اقتصادی و سیاسی و مالی و تبلیغاتی.

دور از واقعیت نیست که در ساختار قدرت و نمودار تشکیلاتی حکومت پهلوی، اهرمی که می‌توانست حضور و موقعیت صهیونیست‌ها را در ایران تثبیت و تحکیم کند و به علاوه پوشش امنیتی آنها را نیز تضمین نماید، «ساواک» بود.

به طور مسلم حضور فعال و وسیع یهودی‌ها در حوزه‌های مختلف اقتصادی، تلاش گسترده اشخاص و محافل وابسته و مرتبط با صهیونیسم در زمینه جمع‌آوری کمک‌های مالی برای خزانه جنگی اسرائیل و به علاوه تحریک و تشویق و انتقال یهودی‌ها به فلسطین اشغالی، تنها بخشی از نفوذ و حضور اسرائیلی‌ها در این کشور و نشانگر گوشه‌ای از همکاری‌های سلطنت پهلوی با دولت اسرائیل در ایران آن عصر بود.

داده‌های اطلاعاتی پنهان و اسناد طبقه‌بندی شده حکایت از آن دارند که حضور صهیونیست‌ها در هیچ کدام از حوزه‌های قدرت سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و اجرایی، به اندازه نفوذ آنها در تشکیلات ساواک نبود. این موضوع از آن جهت برای رهبران و سران اسرائیل ارزشمند و با اهمیت بود که آنها ساواک را ابزار سلطه بر تمامی ارکان قدرت در حکومت پهلوی می‌دانستند. لذا دستیابی به این موقعیت و فرصت را مغتنم شمرده، آن را به معنی تسلط بر همه اجزا و ارکان حکومت شاهنشاهی ارزیابی می‌کردند.

پیمان ساواک با موساد

براساس این دیدگاه که ایران شاهنشاهی جزیره ثبات و امنیت منطقه از یک سو و پایگاه مستحکم نظام سلطه در خاورمیانه و در میان کشورهای اسلامی از سوی دیگر است، سازمان جهانی صهیونیسم ماء موریتی را که پیشتر به عهده سازمان‌های سیا (آمریکا) و ام.آی.شس (انگلستان) بود به سرویس اطلاعاتی اسرائیل تفویض کرد.

گزارش‌ها و اسناد موجود گواهی می‌دهند که اسرائیلی‌ها در راستای برنامه‌ها و اهداف تعیین شده، سلسله فعالیت‌های اطلاعاتی خود را در ایران و در میان کشورهای اسلامی منطقه با پوشش ساواک به آسانی تعقیب می‌کردند. صرف نظر از بهره‌برداری سرویس اطلاعاتی اسرائیل از حضور و موقعیت یهود ایران در جهت برنامه‌ها و اهداف جاسوسی، همکاری اطلاعاتی پیچیده دو رژیم پهلوی و اسرائیل به گونه‌ای بود که بعضی تحلیل‌گران و کارشناسان سیاسی منطقه و جهان، ساواک را زاینده دستگاہ اطلاعاتی اسرائیل و ایران شاهنشاهی را پایگاه اول صهیونیسم، پس از فلسطین اشغالی در خاورمیانه می‌دانستند.

پروتکل ویژه همکاری اطلاعاتی دو رژیم، با نام رمز کریستال یا بلور در واقع پوششی بود که ساواک برای دستگاہ اطلاعاتی اسرائیل و جاسوسان آن فراهم آورده بود. این پوشش نه فقط جغرافیای ایران، که بسیاری از کشورهای اسلامی و عربی، از عراق تا مصر، اردن، سوریه، لبنان، عربستان سعودی، کویت، امیرنشین‌های حاشیه خلیج فارس و... را شامل می‌شد. این پروتکل اطلاعاتی دوجانبه، (طرح کریستال) با ایجاد بستری مناسب و حاشیه‌ای امن، عملیات نشان کردن، جذب و استخدام مزدور اطلاعاتی و جاسوس از میان عرب‌ها، شامل مسافران، دیپلمات‌ها، مستشارها، دانشجو‌ها، بازرگانان و... را از سوی سرویس اطلاعاتی اسرائیل در این کشور آسان و هموار می‌نمود؛ افزون بر آن امکان استتار جاسوسان یهودی و اسرائیلی را در کشورهای مزبور فراهم می‌کرد.

به هر روی، آشنایی با چگونگی و ابعاد همکاری دو سرویس ساواک و موساد و میزان حضور اعضای دستگاہ اطلاعاتی اسرائیل در این تشکیلات، بخش‌های مهم، حساس و پنهان تکاپوی صهیونیستی در ایران آن دوره و شماری از کشورهای اسلامی خاورمیانه را برای مخاطب امروز تبیین می‌کند، به علاوه موجب خواهد شد که دیدگاه او، درباره شءن ظهور و بروز و نیز ماهیت بسیاری از رویدادهای عمده تاریخ معاصر ایران و منطقه دگرگون گردد.

تأسیس ساواک

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، شرایط و موقعیت برای گسترش و تعمیق حضور، حاکمیت و بلکه سیطره آمریکا در ایران کاملاً مساعد گردید. جابه‌جایی قدرت در حوزه سیاستگذاری و تصمیم‌گیری نظام سلطه جهانی پس از جنگ جهانی دوم که از نتایج و دستاوردهای این جنگ بود از یک سو و نقش مستقیم و اساسی ایالات متحده در کودتای سال ۱۳۳۲ و بازگرداندن محمدرضا به تخت سلطنت ایران، از سوی دیگر، در مجموع دستیابی

آمریکا را به موقعیت و شرایط مزبور کاملاً فراهم نمود.

آمریکاییها برای تثبیت، تحکیم و حفظ این موقعیت ناگزیر به ایجاد و سازماندهی نظام اطلاعاتی و امنیتی کشور بودند، تا از این طریق برای حفظ مهره دست نشانده خود در مقابل دست اندازی‌های خارجی و نیز تحریکات داخلی مردم مسلمان ایران، از توانایی لازم برخوردار باشند. ارتشبد سابق حسین فردوست در این باره چنین گفته است:

«پس از ۲۸ مرداد ۳۲، که آمریکایی‌ها با قدرت تمام وارد صحنه شدند و تصمیم گرفتند که ایران را به عنوان پایگاه اصلی خود در منطقه حفظ کنند، در درجه اول به ایجاد دستگاه ضد اطلاعات ارتش و تقویت آن و در درجه دوم به تاسیس سازمان امنیت کشور (ساواک) پرداختند. طبیعی بود که اگر ایران می‌بایست پایگاه اصلی آمریکا در منطقه باشد، به یک سیستم اطلاعاتی و امنیتی قوی نیاز داشت. مضافاً اینکه در شمال آن رقیب اصلی آمریکا، یعنی شوروی کمونیستی، با حضور خود این پایگاه غرب را تهدید می‌کرد. به علاوه تاسیس دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ایران، توسط آمریکا به او این امکان را می‌داد تا تسلط کامل خود را تأمین کند و نفوذ خود را در ایران عمق بخشد.»^(۲)

در کتاب خاطرات دو سفیر در این خصوص چنین می‌خوانیم:

«در سال ۱۹۵۷ سازمان سیا طرح و چارچوب تشکیلاتی یک سازمان جدید اطلاعاتی را به شاه داد و خود در تأسیس و سازمان دادن آن مشارکت کرد. این تشکیلات که به نام سازمان اطلاعات و امنیت کشور نامیده می‌شد به زودی به نام مخفف آن یعنی ساواک شهرت یافت.»^(۳)

ویلیام شوکراس نویسنده کتاب آخرین سفر شاه در این باره نوشته است:

«ساواک، سازمان اطلاعات و امنیت کشور در سال ۱۹۵۷ به منظور حفظ امنیت و جلوگیری از هر گونه توطئه زیان آور علیه منافع عمومی تاسیس شد. به اصطلاح آمریکایی، قرار بود ساواک آمیزه‌ای از سیا و اف. بی. آی. و سازمان امنیت ملی باشد.»^(۴)

در منابع دیگر در این باره آمده است:

«نخستین هدف شاه از تأسیس ساواک ایجاد دستگاه اطلاعات امروزی کارآمدی بود که قادر باشد تهدیدهای داخلی و خارجی علیه سلطه او را شناسایی و با آنها نبرد کند و از رقابت‌های خرد و ریز و لختی دیوانسالارانه‌ای که واحدهای اطلاعاتی موجود (مثلاً واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهربانی) گرفتار آن بودند رها باشد.»^(۵)

مجلس شورای ملی در اسفند ماه سال ۱۳۳۵ ش، مفاد طرح و قانون تأسیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) را به تصویب رساند. در ماده اول این مصوبه درباره هدف و جایگاه سازمان مزبور آمده است:

پیمان ساواک با موساد

«برای حفظ امنیت کشور و جلوگیری از هر گونه توطئه که مضر به مصالح عمومی است سازمانی به نام اطلاعات و امنیت کشور وابسته به نخست وزیری تشکیل می شود و رئیس سازمان ، سمت معاونت نخست وزیر را داشته و به فرمان اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی منصوب خواهد شد.»

در ماده دوم مصوبه مزبور ، درباره وظایف و مأموریت های سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) آمده است :

«سازمان اطلاعات و امنیت کشور دارای وظایف زیر است :

الف) تحصیل و جمع آوری اطلاعات لازم برای حفظ امنیت کشور.

ب) تعقیب اعمالی که متضمن قسمتی از اقسام جاسوسی است و عملیات عناصری که بر ضد استقلال و تمامیت کشور و یا به نفع اجنبی اقدام کند.

ج) جلوگیری از فعالیت جمعیت هایی که تشکیل و اداره کردن آن غیر قانونی اعلام شده و یا بشود و همچنین ممانعت از تشکیل جمعیت هایی که مرام و یا رویه آنها مخالف قانون اساسی باشد.

د) جلوگیری از توطئه و اسباب چینی بر ضد امنیت کشور.

ه) بازرسی و کشف تحقیقات و...»

به هر روی وظیفه و مأموریت ساواک را دو بخش اطلاعاتی (خارجی) و امنیتی (داخلی) و تلفیقی از دو سازمان سیا و اف. بی. آی دانسته اند.

اما به نوشته برخی منابع خارجی ، تعلیم نیروهای اطلاعاتی ایران از سوی سازمان سیا ، بلافاصله پس از پیروزی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ آغاز شد:

«سیا تعلیم نیروهای اطلاعاتی ایران را نیز آغاز کرد. در سپتامبر ۱۹۵۳ [شهریور ۱۳۳۲] یک سرهنگ ارتش آمریکا که سالها برای سیا در خاورمیانه کار کرده بود و پیش زمینه وسیعی در کار پلیسی و کاراگاهی داشت در پوشش وابسته نظامی به ایران اعزام شد. مأموریت او سازمان دادن و فرماندهی یک واحد جدید اطلاعاتی بود که در آن زمان زیر نظر فرمانداری نظامی تهران تأسیس شد که در دسامبر ۱۹۵۳ زیر فرماندهی سرتیپ بختیار قرار گرفته بود. سرهنگ که همکاری نزدیکی با بختیار و زیردستانش داشت ، این واحد را فرماندهی می کرد و به اعضای آن فنون پایه ای اطلاعات از قبیل روش های مراقبت و بازجویی ، عملیات شبکه های اطلاعاتی و امنیت سازمانی را یاد می داد. واحد اطلاعات بختیار نخستین سازمان اطلاعاتی امروزی و کارآمد بود که در ایران عمل می کرد.»^(۶)

صرف نظر از ساختار و نمودار تشکیلاتی ساواک که شرح آن از حوصله این نوشتار خارج است ، فعالیت ساواک شامل چند دوره تاریخی است .

ارتشبد سابق حسین فردوست این دوره‌ها را چنین تقسیم بندی کرده است :
 «اگر قرار باشد تاریخ ساواک از آغاز تا پایان نوشته شود باید چهار دوره در آن مشخص گردد:
 نخستین دوره ساواک ، دوره ایجاد و تأسیس این سازمان توسط مستشاران آمریکایی است .
 ... در این دوره ساواک در واقع فاقد هر گونه سازمانی است این دوره از تأسیس رسمی
 ساواک در اسفند ۱۳۳۵ تا برکناری تیمور بختیار در اسفند ۱۳۳۹ است .
 دومین دوره ساواک با ریاست پاکروان و در واقع با ورود من [فردوست] به ساواک آغاز می شود .
 ... در این دوره ... هیئت مستشاری آمریکا ، که نقش ریاست واقعی ساواک را بازی می کرد ،
 محترمانه از ساواک مرخص می شود و به جای آن مریبان و اساتید اسرائیلی با علاقه وارد صحنه
 می شوند لذا این دوره را که تا فروردین ۱۳۵۰ ادامه دارد ، باید دوره سازماندهی و آموزش
 ساواک نامید .
 سومین دوره ساواک با خروج من و مقدم در فروردین ۱۳۵۰ از ساواک آغاز می شود این
 دوره ، دوره هجوم و قدرت ساواک است .

... چهارمین دوره ساواک ، ماه‌های آخر سلطنت محمدرضا را دربرمی گیرد
 و سرانجام با انقلاب ۲۲ بهمن حیات حدود ۲۲ ساله این سازمان پایان می یابد!»^(۷)
 بر این اساس دومین دوره فعالیت ساواک که همراه با ریاست پاکروان و ورود فردوست به
 ساواک است ، دوره‌ای است که کارشناسان اسرائیلی جایگزین آمریکایی‌ها می شوند و کار
 سازماندهی و آموزش در ساواک را به عهده می گیرند:
 فردوست در این باره نوشته است :

«در سال ۱۳۴۰ از سوی محمدرضا مأمور جدید سازمان و راه اندازی «سازمان اطلاعات و
 امنیت کشور» (ساواک) شدم و تا ۲۰ فروردین ۱۳۵۰ ، ... به عنوان قائم مقام ساواک فعالیت
 کردم . آغاز فعالیت من در ساواک مصادف با ریاست سرلشگر حسن پاکروان بود و پس از سال
 ۱۳۴۳ نعمت‌اله نصیری در رأس این سازمان قرار گرفت.»^(۸)
 گفتنی است در این دوره انگلیسی‌ها نیز بیکار ننشستند و میدان را کاملاً برای آمریکاییها خالی
 نکردند:

«انگلیسی‌ها نیز نمی توانستند از همه امکانات خود در ایران صرف نظر کنند و آن را درست در
 اختیار آمریکایی‌ها قرار دهند و در سازمان جدید اطلاعاتی و امنیتی ایران سهم و نقش
 می خواستند . لذا به دنبال تمهیداتی موافقت محمدرضا را در سفر اردیبهشت ۱۳۳۸ او به لندن
 جلب کردند و به دنبال آن من [فردوست] با مأموریت تأسیس "دفتر ویژه اطلاعات" به انگلستان
 رفتم . در انگلستان من با سازمان اطلاعات کشور فوق آشنا شدم و مقرر شد که مطابق

همان سیستم دستگاه اطلاعاتی و امنیتی ایران را سازماندهی کنم.»^(۹)

اسرائیلی‌ها در ساواک

به دنبال حضور و نفوذ آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها در سازمان اطلاعات و امنیت کشور، تمهیدات رمزآلود و دست‌های پنهان، نقش و مأموریت آنها را به دستگاه اطلاعاتی اسرائیل واگذار کرد. به طور قطع این تمهیدات و تحرکات از منابعی سرچشمه می‌گرفتند که قدرت آن فراتر از اقدار "سیا" و یا "ام‌آی ۶" ارزیابی شده است. این بود که هم آمریکایی‌ها و هم انگلیسی‌ها و هم دستگاه سلطنت پهلوی بدون هیچ‌گونه عکس‌العمل و مانع‌تراشی به پذیرش این جایگزین تن دادند. این قدرت مرموز همان سرویس اطلاعاتی سازمان جهانی صهیونیسم بود که نفوذ و حضور همه‌جانبه و جایگاه مهم مأموران و مستشاران آن در دستگاه اطلاعاتی ایالات متحده آمریکا و انگلیس نیز غیر قابل تردید است.

به این ترتیب، بازمینه‌سازی‌های لازم، دستگاه اطلاعاتی اسرائیل جایگزین سیا و اینتلیجنس سرویس در ایران شد و نقش و مأموریت آنها را به عهده گرفت. دقیق‌ترین تعابیر و درست‌ترین ارزیابی درباره جایگاه و میزان اهمیت سرویس اطلاعاتی صهیونیسم، در یکی از منابع تاریخی، چنین آمده است:

«این سازمان به غایت سری بین‌المللی، در سراسر جهان در پوشش نهادهایی به فعالیت خود ادامه داده و می‌دهد. از جمله در دهه ۱۹۷۰ در وین در پوشش سازمانی به نام "مرکز اطلاعات مستند" فعالیت داشته است. "سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها" همان قدر با موساد متفاوت است که صهیونیسم جهانی با دولت اسرائیل.

در واقع باید "سرویس اطلاعاتی صهیونیست‌ها" را شبکه‌ای جهانی و نامرئی دانست که بر فراز و در قلب معظم‌ترین سرویس‌های جاسوسی غرب (به ویژه آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان) شبکه‌های خود را تنیده و مستقل از این سرویس‌ها خط مشی صهیونیسم جهانی را دنبال می‌کند.»^(۱۰)

اسناد و مدارک و منابع موجود در مجموع نشان می‌دهند که تقریباً از سال ۱۳۳۹ ش / ۱۹۶۰ م، رابطه نزدیک و مستقیم بین ساواک و موساد برقرار شده بود.

«ساواک در اوایل [دهه] ۱۹۶۰ م رابطه بسیار نزدیکی با موساد برقرار کرد.»^(۱۱)

در یکی از اسناد ساواک نیز در این باره چنین آمده است:

«در تاریخ ۲۴ - ۲۵ مرداد ۱۳۳۹ (مطابق با ۱۵ - ۱۷ اوت ۱۹۶۰) کمیته اطلاعاتی مشترک ایران و اسرائیل مرکب از آقایان آلموگ، رابکین بابایی از طرف اسرائیل و انصاری، عظیمی،

کاوه، علیخانی از طرف ایران تشکیل شد. ... کمیته مشترک به اتفاق آرا تصمیم گرفت پیشنهادات زیر را برای تصویب به رؤسای سرویس‌های اطلاعاتی دو کشور تسلیم نماید. ... سرویس اسرائیل حاضر است برای تعلیم مأمورین سرویس ایران (به طور نظری و عملی) در صورت لزوم به نقاط دیگر جهان نیز کارشناسانی بفرستد.»
ناگفته نماند در آن زمان مأموران اطلاعاتی اسرائیل بی ارتباط با ساواک نبودند. به طوری که فردوست نوشته است:

«در آن زمان ایران اسرائیل را به صورت "دو فاکتو" به رسمیت شناخته بود و اسرائیل یک سفارتخانه غیر رسمی در ایران داشت و مسئول اطلاعات آن سرهنگ دوم یعقوب نیمرودی بود که با تائید محمدرضا با ساواک رابطه فعال داشت. اطلاع داشتیم که تشکیلات اطلاعاتی اسرائیل بسیار قوی است، زیرا برخی افراد یهودی در کشورهای اروپا و آمریکای شمالی در مشاغل حساس اطلاعاتی شاغل بوده‌اند و این افراد پس از تشکیل کشور [دولت] اسرائیل سازمان‌های اطلاعاتی و امنیتی آن را تشکیل داده‌اند. لذا به کمک نیمرودی آموزش ساواک را سازمان دادم که منجر به تأسیس اداره کل آموزش شد و سر تیپ کیوانی ریاست آن را به عهده گرفت.»^(۱۲)

۱۱۸

یادآوری این نکته ضروری است که طبق باور بعضی اندیشه‌مندان و تاریخ‌نگاران: «عدم تمایل سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس به آموزش بیشتر ساواک، برنامه ریزی هماهنگ سیا و ام.آی. ۶ برای سوق دادن ساواک به سوی اسرائیل و نفوذ گام به گام صهیونیست‌ها در ایران و تبدیل رژیم پهلوی به نزدیک‌ترین متحد اسرائیل در منطقه بوده است. باید توجه داشت که رسوخ عناصر یهودی صهیونیست در سطوح عالی سرویس‌های اطلاعاتی غرب بسیار زیاد است، تا حدی که می‌توان صهیونیسم جهانی را عامل هماهنگ کننده این سرویس‌ها دانست.»^(۱۳)

تعلیمات اطلاعاتی

آموزش کادرها و مأموران ساواک از سوی کارشناسان اسرائیلی از برجسته‌ترین همکاری دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با ساواک به حساب می‌آید. از یک سو گروه‌های عملیاتی ادارات کل ساواک با هدف فراگیری تعلیمات ویژه اطلاعاتی آموزشی یک ساله و دوساله به فلسطین اشغالی اعزام می‌شدند و از سوی دیگر متخصصان و کارشناسان برجسته اسرائیلی در بخش‌های مختلف "امنیتی (ضد براندازی)"، "خط شناسی"، "تحقیق"، "بازجویی" به تهران

می آمدند و به آموزش کادرهای ساواک در این حوزه ها اقدام می کردند. اسرائیلی ها معتقد بودند هر چه کادرهای ساواک ورزیده و مجرب و کارآزموده تر باشند، بیشتر در تأمین اهداف و منافع آنها مؤثر خواهند بود؛ لذا در تعقیب مطامع خود در این باره، سعی وافر در جلب رضایت سران و رهبران دستگاه پهلوی داشتند. ارتشید سابق حسین فردوست در این باره با ارزیابی عملکرد متخصصان و کارشناسان اسرائیلی در آموزش نیروهای ساواک، نوشته است:

«در آغاز ۲ یا ۳ تیم و هر تیم مرکب از حدود ۱۰ نفر از ادارات کل عملیاتی (دوم و سوم و هشتم) برای آموزش به اسرائیل اعزام شدند. مدت آموزش هر تیم بین ۱ تا ۲ سال و نتیجه آموزش عالی بود. این نشان می داد که اسرائیلی ها برای دوستی با محمدرضا، بهای زیادی قائلند و روی نقش ساواک در آینده منطقه حساب جدی باز کرده اند. پس ترجیح دادم استادان اسرائیلی را به تهران بیاورم. به تدریج موارد مورد نیاز را از شخص نیمرودی می خواستم و او نیز به سرعت استاد مربوطه را به تهران دعوت می کرد...» (۱۴)

این قبیل آموزش ها نه فقط ابعاد مختلف داشت؛ بلکه شامل رده های گوناگون در تشکیلات ساواک می شد. گزارش ساواک درباره دوره آموزشی ضد اطلاعات تحت عنوان "سمینار قفل" که از سوی کارشناسان و متخصصان اسرائیلی در تهران برگزار شده بود چنین است:

«به عرض می رساند در تاریخ ۳۵/۳/۲ [۱۳۵۵ =] با آقای ماهان رابط سرویس اسرائیل ملاقات و نکات زیر مطرح گردید:

... در مورد سمینار قفل که در حال حاضر در باشگاه تجریش برگزار می شود، مایل است یک بار دیگر با آقای شای SHIA کارشناس قفل اسرائیل در محل برگزاری سمینار ملاقات و گفتگو کند.»

گزارش دیگر ساواک در این باره چنین می گوید:

«موضوع: دوره بررسی ضد اطلاعات

استاد: زوی مارتین (نماینده سرویس زیتون [اسرائیل])

مدت: دو الی سه هفته

تاریخ شروع: ۵۰/۴/۲۷

شرکت کنندگان: از اداره کل هشتم چهار نفر افراد نامبرده زیر که در رده رئیس بخش و رئیس دایره هستند در دوره مزبور شرکت خواهند کرد. ...»

از دید مقامات دستگاه پهلوی و مسئولان و رؤسای بلندپایه و درجه اول ساواک، اسرائیلی ها برای آموزش کادرها و مأموران ساواک و ارتقای سطح آموزشی نیروهای سازمان اطلاعات و امنیت کشور سنگ تمام گذاشتند.

از این نظر، نه فقط ساواک در بخش آموزش و تربیت کادرهای متخصص و مجرب به خودکفایی رسید، بلکه از این حیث به موقعیت و جایگاه ممتاز در میان کشورهای منطقه دست یافت. به گونه‌ای که متخصصان و کارشناسان ساواک دست پرورده صهیونیست‌ها، بعدها مأموریت آموزش کادرهای اطلاعاتی بعضی ممالک در منطقه خاورمیانه را عهده‌دار شدند. البته، فردوست این وضعیت و موقعیت جدید را مرهون زحمات و برنامه‌ها و طرح‌های خود قلمداد کرده و چنین نوشته است:

«در نتیجه، در سال ۱۳۴۹ توسط من چنان سازمانی ایجاد شد که تعدادی از کشورهای خاورمیانه پرسنل اطلاعاتی و امنیتی خود را برای آموزش به تهران اعزام می‌داشتند.»^(۱۵)

در یکی از گزارش‌های ساواک نیز در این باره چنین می‌خوانیم:

«رابط سرویس اسرائیل سحرگاه امروز ۳۵/۹/۱۷ [= ۱۳۵۵] مطالب زیر را اظهار داشت:

سرویس اسرائیل ترتیبی داده که تعدادی از عناصر مهم وابسته به سومالی که اکنون در خارج این کشور زندگی می‌کنند طی ماه ژانویه آینده در اسرائیل تحت تعلیمات نظامی و اطلاعاتی قرار گیرند. رئیس سرویس اسرائیل از حضور تیمسار ریاست ساواک درخواست دارد که چند نفر از مقامات ساواک را جهت ملاقات و گفتگو با این عده و نیز نظارت بر امر آموزش آنان در ژانویه آینده به اسرائیل اعزام دارند.»

اقدام بعدی ساواک در این باره، در گزارش تکمیلی دیگر چنین است:

«منظور: استحضار تیمسار ریاست ساواک و صدور اوامر

طبق تصویب قبلی قرار است آقای بهمن کاشی کارمند اداره کل هفتم از تاریخ چهارشنبه ۲۹ دی ماه ۳۵ [= ۱۳۵۵] به منظور انجام مأموریتی همراه با یک هیئت از وزارت امور خارجه به کشور اسرائیل اعزام گردد. ضمناً قبلاً تصویب فرموده بودند که آقای کاشی به منظور ملاقات با گروه دوم مقامات و اتباع سومالی که در اسرائیل آموزش نظامی فرا می‌گیرند ملاقات و مذاکره نمایند.

رابط سرویس اسرائیل در تاریخ ۳۵/۱۰/۲۵ [= ۱۳۵۵] اظهار داشت در صورتی که تیمسار ریاست ساواک تصویب بفرمایند:

الف) آقای کاشی بعد از خاتمه مأموریت خود ملاقاتی نیز با کارشناسان بررسی سرویس اسرائیل به عمل بیاورد تا کارشناسان مذکور وی را پیرامون آخرین تحولات منطقه توجیه نمایند. ب) هرگاه در مدتی که آقای کاشی در اسرائیل است تاریخ ملاقات او با مقامات سومالی معلوم گردد و این تاریخ حداکثر دو روز با مأموریت آقای کاشی اختلاف داشته باشد، [و] نامبرده کماکان در اسرائیل باقی بماند تا بتواند مأموریت دوم خود را نیز انجام دهد...»

همکاری اسرائیلی‌ها با ساواک در بخش آموزش نیروها و کادرهای سازمان اطلاعات و امنیت کشور از شیوه‌ها و شگردهای خاص برخوردار بود و مراحل و سیر ویژه خود را داشت. اسرائیلی‌ها با توجه به اشراف، اطلاعات و آگاهی نسبت به توان، دانش، موقعیت و امکانات ساواک و کادرهای آن، از طرق مختلف نیازها، کاستی‌ها و نقاط قوت و ضعف تشکیلات مزبور را شناسایی و پس از این، در جهت تطمیع رؤسای ساواک اقدام می‌کردند. کارشناسان و متخصصان اسرائیل طبق نقشه و برنامه از پیش طراحی شده خود، ضمن اعلام آمادگی کامل برای همکاری در بخش آموزش نیروهای ساواک - چه در ایران و چه در فلسطین اشغالی به طور معمول به گونه‌ای عمل می‌کردند که در همه ادوار آموزش و در همه سطوح، نکاتی را مبهم باقی می‌گذاشتند و به این ترتیب عطش نیاز نیروهای تحت آموزش و نیز رؤسا و مسئولان ساواک را برای فراگیری آنها تشدید می‌کردند. عطش و شور و اشتیاقی را که کارشناسان اسرائیلی در این زمینه دامن می‌زدند، موجب می‌شد تا علاوه بر کسب امتیازات بیشتر از سران و مقامات ساواک، میزان وابستگی این تشکیلات به دستگاه اطلاعاتی اسرائیل را بیش از پیش تقویت و تشدید کنند.

۱۲۱

نمونه بارز این شگرد اطلاعاتی اسرائیلی‌ها، وعده فریبنده ژنرال ضمیر یکی از مسئولان بلندپایه دستگاه اطلاعاتی اسرائیل به مقامات ساواک است:

«در تاریخ ۳۴/۱/۱۴ [= ۱۳۵۴] به استحضار تیمسار ریاست ساواک رسید که کشتی‌های شوروی حامل محمولات مختلف نظامی به عراق مرتباً به بندر بصره رفت و آمد داشته و اداره کل دوم امکاناتی برای تخریب و خرابکاری در کشتی‌های مذکور از طریق عوامل مربوطه دارد و به همین علت در سال ۲۵۳۲ [۱۳۵۲] که ژنرال ضمیر به تهران مسافرت نموده بود، به فرموده با ایشان در این زمینه مذاکره و ژنرال ضمیر پاسخ داد که با وسایل کوچکی که حجم آن حتی از یک قلم خودنویس تجاوز نخواهد کرد می‌توان منظور فوق را عملی نمود و به دنبال این مذاکره دوستان زیتون [اسرائیل] پیشنهاد کردند که یک یا دو نفر از کارمندان ساواک جهت آموزش و آشنایی با وسایل مذکور به اسرائیل مسافرت کنند.»^(۱۶)

مقامات ساواک پس از اعتماد به وعده ژنرال ضمیر، برنامه آموزش مأموران خود از سوی کارشناسان اسرائیلی را در دستور کار قرار دادند:

«از حضور تیمسار ریاست ساواک استدعا شد با توجه به عادی شدن روابط ایران و عراق چنانچه انجام عملیات مورد نظر مورد تصویب است مقرر فرمایند آقای رفیع زاده رئیس اداره برونمرزی و استوار حسین زاده که از نظر عملیاتی و فنی واجد شرایط لازم می‌باشند، به مدت یک هفته به اسرائیل مسافرت و ضمن آموزش از وسائل مذکور بازدید نمایند. تیمسار ریاست ساواک

پی نوشت فرموده اند «اصولاً دیدن این آموزشها لازم است ولی با وضعیت فعلی نه برای عراق بلکه زمانی که لازم باشد برای هدف مورد نظر روز». متعاقب این جریان با ادارات کل سوم و چهارم نیز تماس گرفته شد و چون ادارات کل مزبور تشخیص دادند که اعزام کارمندی از طرف آنان نیز مفید خواهد بود علیهذا دو نفر از کارمندان خود را جهت اعزام به این مأموریت معرفی نمودند.» (۱۷)

به این ترتیب تعدادی از نیروهای ساواک برای فراگیری آموزش های لازم به اسرائیل اعزام شدند:

همان طوری که [تیمسار ریاست ساواک] استحضار دارند در تاریخ ۵۴/۱/۱۴ گزارش [...] در مورد اعزام دو نفر از کارمندان ساواک جهت آموزش و آشنایی به وسائل تخریبی به اسرائیل از عرض گذشت و پیشنهاد گردید که آقای مجید رفیع زاده رئیس اداره برونمرزی و استوار حسین زاده به همین منظور به اسرائیل اعزام گردند ...
متعاقباً در این مورد با ادارات کل سوم و چهارم مذاکره و ادارات کل مذکور نیز دو نفر از کارمندان خود را جهت اعزام به این مأموریت معرفی نمودند:

- | | |
|----------------------|-----------------------|
| ۱- آقای منصور گلزاری | کارمند اداره کل سوم |
| ۲- آقای محمود شیرازی | کارمند اداره کل چهارم |

۱۲۲

علیهذا با عطف توجه به مراتب فوق مستدعی است اوامر عالی را در مورد عزیمت چهار نفر کارمندان فوق الذکر به اسرائیل برای مدت یک هفته جهت بازدید از وسائل تخریبی و نحوه استفاده از وسائل مذکور ابلاغ فرمایند.» (۱۸)

پس از اعزام مأموران ساواک و طی دوره های آموزشی موردنظر معلوم شد که وعده ژنرال ضمیر فریبی بیش نبوده است:

«توضیحاً به استحضار می رساند که متخصصین اسرائیلی اظهار داشتند که در حال حاضر وسائل کوچکی نظیر قلم خودنویس که قادر باشد مثلاً در یک کشتی تخریب ایجاد نماید وجود ندارد و برای انفجارات بزرگ باید مقدار ماده منفجره بیشتری به کار برد.» (۱۹)

بدین ترتیب مأموران و حتی مقامات ساواک که عطش آنها برای کسب مهارت ها و دسترسی به فنون و وسایل موردنیاز دو چندان شده بود، بیش از پیش به دست و پای اسرائیلی ها می افتند: «در اجرای اوامر صادره در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۳۵/۱۰/۷ [= ۱۳۵۵] ملاقاتی با نماینده دوستان زیتون به شرح زیر انجام [شد] که جهت صدور هر گونه اوامر مقتضی از عرض می گذرد. الف) منظور: ایجاد تماس بین دو نفر متخصصین تخریب ساواک با نماینده دوستان زیتون در مورد نیازمندیهای وسایل تخریب الکترونیکی .

پیمان ساواک با موساد

ب) شرکت کنندگان در ملاقات عبارت بودند از آقایان ۱- اردیبهشتی ۲- حسین زاده ۳- باقریان ۴- و ماهان نماینده دوستان زیتون .

پ) پیشینه : همان طوری که استحضار دارند [در] اجرای اوامر صادره افراد منتخب ساواک در تاریخ ۳۵/۶/۲۱ به کشور اسرائیل اعزام و به مدت شش روز اقامت در آن کشور با وسایل جدیدی که تروریست ها علیه آن کشور به کار می بردند آشنایی حاصل نمودند و پس از مراجعت طی گزارشی به عرض رسیده بود منظور اصلی اعزام هیئت ایرانی به اسرائیل پیشنهاد ژنرال ضمیر بود که نامبرده اظهار نموده بود و سائلی در اسرائیل موجود است به اندازه یک قلم خودنویس که می تواند یک کشتی را منفجر نماید. لیکن پس از اعزام به آن کشور متخصصین تخریب کشور اسرائیل در این مورد اظهار بی اطلاعی نمودند و گفتند یک چنین وسیله ای وجود ندارد. نتیجتاً منظور اصلی هیئت اعزامی تاامین نگردید. از سوی دیگر به علت زمان کم (پنج روز بازدید آموزشی در اسرائیل) و سائل تخریب الکترونیکی به مدت ۲ ساعت مورد بازدید و تشریح قرار گرفت که آموزش فراگرفتن آنها را در مدت ۲ ساعت تشریح کافی نبود و [در] گزارش کار مراجعت از مأموریت پیشنهاد شده بود : برای فراگرفتن این و سائل (تخریب با و سائل الکترونیکی) حداقل ۱۵ روز آموزش کار عملی با گروه تخریب کشور مزبور لازم است .

۱۲۳

(پیوست الف) لذا از حضور تیمسار ریاست ساواک استدعا گردید در صورت تصویب اجازه فرمایند متخصصین از کشور اسرائیل به ایران دعوت و نیازمندیهای فوق الذکر را در اختیار متخصصین ساواک قرار دهند. تیمسار ریاست ساواک با دعوت متخصصین اسرائیل موافقت فرمودند که در این مورد از نماینده دوستان زیتون آقای ماهان دعوت و مقرر گردیده بود در تاریخ ۳۵/۱۰/۷ [= ۱۳۵۵] در ساختمان D ملاقاتی در این زمینه انجام گیرد.»

اقدامات بعدی ساواک در این باره چنین است :

«در اجرای اوامر تیمسار مدیریت کل ملاقات مورد نظر در ساعت ۱۰:۳۰ روز ۳۵/۱۰/۷ [= ۱۳۵۵] با شرکت چهار نفر فوق الذکر انجام و با توجه به اینکه آقای ماهان از جریان خواسته های ساواک در مورد و سائل تخریب الکترونیکی اظهار بی اطلاعی نمودند. معهداً مرتب خواسته های ساواک به ایشان گفته شد و ایشان گفتند هر چه مورد نظر شما می باشد طی نامه ای نیازمندیهای خود را به انگلیسی برای ما بنویسید تا اینکه ، بدانیم نیازمندیهای شما کدامند و با توجه به اینکه متخصصین کار با وسایل تخریب الکترونیکی ارتشی می باشند در مورد اعزام آنها به ایران اقدام نماییم .

توضیح :

با عرض مراتب یاد شده همان طوری که قبلاً به عرض رسیده است (پیوست الف) نیازمندیهای

آموزشی این اداره کل در حال حاضر به شرح زیر از عرض می گذرد تا در صورت تصویب اجازه فرمایند به زبان انگلیسی ترجمه و در اختیار نماینده دوستان زیتون قرار دهند تا از آن طریق در مورد اعزام متخصصین کشور مزبور اقدام گردد.

- ۱- نحوه آماده نمودن پاکات انفجاری و خنثی نمودن چاشنی آنها (به طور عملی).
- ۲- آشنایی و ساختن انواع قلم های انفجاری با انواع دستگاه های الکترونیکی تخریب از راه دور و نزدیک (انواع مختلفی که در دسترس متخصصین دوستان زیتون می باشد.) (به طور عملی).
- ۳- آشنایی عملی با نحوه کار دستگاه اشعه X

بخش مستقل عملیات ویژه»

به این ترتیب حوزه ریاست ساواک به اداره کل دوم ابلاغ می کند که مطابق خواست اسراییلی ها اقدام کند:

«خواهشمند است دستور فرمایید نکات مورد نیازی که در آن اداره کل در نظر دارد در دوره یاد شده مورد بحث و گفتگو قرار گیرد به زبان انگلیسی تهیه [کنند] و به این حوزه ارسال دارند تا پس از تصویب در اختیار سرویس مربوطه گذارده شود.»^(۲۰)

اداره کل دوم ساواک طبق دستور حوزه ریاست ، دقیقاً مطابق پیشنهاد مقامات اسراییلی عمل می کند و نیازمندی های خود را در پنج بند به شرح ذیل به زبان انگلیسی به نمایندگان دستگاه اطلاعات رژیم صهیونیستی ارائه می دهد:

- ۱- شناسایی انواع منفجره ها که در خرابکاری های ابتکاری از سال ۱۹۷۰ [۱۳۴۹] تا کنون در اختیار خرابکاران قرار داشته است (در حدود امکانات).
- ۲- نحوه مسلح کردن و آزاد کردن ماسوره های کوچک که در پاکات پستی (منفجر شونده) به کار می رود ضمن شناسایی مواد منفجره مربوطه داخل پاکات .
- ۳- نحوه خرابکاری در کشتی ها (از داخل آب با وسایل غواصی).
- ۴- شناسایی و بازدید انواع وسایل و مواد منفجره که دارای حجم کم و قدرت انفجار فوق العاده است (مکانیزم و نحوه عمل).

۵- شناسایی و بازدید انواع وسایلی که از طریق راه دور منفجر می گردد (صوتی).^(۲۱)

نکته قابل توجه در این باره ، ترفند مقامات اطلاعاتی رژیم صهیونیستی است که پس از تطمیع مسئولان ساواک و به دنبال آن طرح بهانه های بنی اسراییلی به طور پی در پی ، باز هم مسئولان ساواک را به بازی می گیرند. نامه حوزه ریاست ساواک خطاب به اداره کل دوم در این خصوص چنین حکایت می کند:

«بازگشت به ۲۰/۱/۱۵۰۹ مورخ ۳۵/۲/۵ = [۱۳۵۵]

پیمان ساواک با موساد

رابط سرویس اسرائیل در تاریخ ۵۳/۳/۱۰ [= ۱۳۵۵] اعلام داشت که بند چهار نیازمندیهای فنی اعلام شده برای سرویس متبوعه وی روشن نیست و لازم است محل انجام این گونه اقدامات برای کارشناسان سرویس روشن باشد تا بتوانند در این مورد بحث نمایند.»^(۲۲)

تأمین وسایل و تجهیزات ساواک از سوی اسرائیل

از همان ابتدای همکاری های همه جانبه ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل ، اسرائیلی ها بخش عمده ای از وسایل و تجهیزات مورد نیاز سازمان اطلاعات و امنیت کشور را تأمین می کردند. به گونه ای که نه فقط ساواک ، بلکه دیگر مراکز و نهادهای کشوری و لشگری به تدریج در ردیف مشتریان ثابت و عمده اسرائیل درآمدند. در بخشی از گزارش کمیته اطلاعاتی مشترک ایران و اسرائیل به تاریخ ۱۳۳۹ چنین آمده است :

«سرویس اسرائیل برای تکمیل وسایل ارتباطی مأمورین سرویس ایران حاضر است هرگونه وسایل از قبیل بی سیم ، مرکب نامرئی ، وسایل عکاسی ، مخفی کردن پیام و غیره در اختیار سرویس ایران بگذارد و طرز به کار بردن آنها را نیز تعلیم دهد. سرویس ایران صورت نیازمندی های خود را تهیه [خواهد کرد] و به سرویس اسرائیل خواهد داد.»

ساواک صرف نظر از تأمین نیازهای خود ، احتیاجات دیگر دستگاه ها را نیز به اطلاع اسرائیلی ها می رساند و لوازم و تجهیزات مورد نیاز آنها را از این طریق تأمین می کرد:

«در نظر است پنج دستگاه اشعه ایکس X ثابت با قدرت ۱۶۰ کیلووات با ملحقات مربوطه (طبق نمونه ای که قبلاً در استادیوم آریا مهر تحویل شد) از طریق دوستان زیتون [اسرائیل] تهیه گردد. خواهشمند است دستور فرمایید از آن طریق به رابط دوستان مذکور ابلاغ نمایند در مورد تهیه و تحویل دستگاه های منظور اقدام [کنند] و نتیجه را اعلام دارند.»^(۲۳)

«دستگاه های اشعه ایکس مورد نظر سفارش نیروهای هوایی شاهنشاهی بوده که دو نمونه آن عیناً در ساواک موجود و مورد بهره برداری عملیاتی قرار می گیرد.»^(۲۴)

اسرائیلی ها در بخش تأمین وسایل و تجهیزات نیز با شگردها و ترفندهای خاص خود عمل می کردند. آنها وسایل سفارشی و خریداری شده از سوی ساواک را به طور ناقص تحویل می دادند تا طرف ایرانی همواره نیازمند کارشناسان و متخصصان اسرائیلی باشد. گزارش ساواک درباره عدم تحویل برخی قطعات تکمیلی دستگاه اشعه ایکس از سوی اسرائیل چنین است :

«به عرض می رساند در تاریخ ۳۵/۳/۳ [= ۱۳۵۵] با آقای ماهان رابط سرویس اسرائیل ملاقات

و نکات زیر مطرح گردید:

به اطلاع رابط رسانیده شد که ساواک به هنگام برگزاری بازی های آسیایی [سال ۱۳۵۳، یعنی دو سال قبل] دو دستگاه اشعه ایکس از اسرائیل خریداری نمود که پس از تحویل دستگاه ها، سرویس اسرائیل موافقت نموده بود که دستگاه های اندازه گیری اشعه ایکس را تهیه و تحویل دهد که هنوز در این مورد اقدامی به عمل نیامده و دستگاه های مورد بحث نیاز ساواک است.»

یکی دیگر از گزارش های ساواک، به نمونه مشابه دیگر چنین اشاره کرده است:

«در مورد ضبط صوت های ادی بوی گفته شد که چون بنا به اظهار اداره کل پنجم ضبط صوت های مورد بحث کار نمی کنند جلسه ملاقاتی بین نمایندگان ادارات کل پنجم و ششم از یک طرف و نماینده سرویس اسرائیل در هفته آینده تشکیل و موضوع مورد مذاکره قرار گیرد.»

در هر صورت تاءمین این قبیل نیازهای ساواک موجب وابستگی بیش از پیش این تشکیلات به اسرائیل می شد. از سوی دیگر ساواک ناگزیر بود برای استفاده و بهره برداری از تجهیزات مورد نظر، میزان حضور و نفوذ متخصصان اسرائیلی را در آن سازمان افزایش دهد و از سوی دیگر مأموران و نیروهای دیگری را برای فراگیری برخی مهارت ها و فنون و چگونگی استفاده از تجهیزات اسرائیلی به سرزمین های اشغالی اعزام کند و تحت تعلیمات صهیونیست ها قرار دهد که این موضوع صرف نظر از همه پیامدهایی که داشت، موجب افزایش حضور نیروهای مزدور و مزدبگیر اسرائیلی در داخل تشکیلات ساواک می شد. و این روندی بود که مطابق نقشه و برنامه اسرائیلی ها طراحی و اجرا می شد.

۱۲۶

سند به جا مانده از ساواک در تاءبید این واقعیت چنین می گوید:

«رابط سرویس اسرائیل در ملاقات روز ۵۴/۱۰/۳۰ اظهار داشت:

... در مورد دستگاه های اشعه ایکس پیشنهاد می شود متخصصین اسرائیلی همراه دستگاه های خریداری شده به تهران آمده و حضوراً نحوه کار آنها و همچنین تعمیرات لازم را شرح دهند.»

رؤسا و مقامات ساواک نیز در این ارتباط ناگزیر به عدول از نظرها و پیشنهادهای خود و بلکه پیروی از نقشه های اسرائیلی بودند.

نامه مدیر کل اداره پنجم ساواک در این باره چنین است:

«پیرو شماره ۵۰۱/۱۰۴۴۱ - ۵۴/۱۰/۲۰ در اجرای اوامر صادره نحوه ارسال و نصب و آزمایش و همچنین آموزش دستگاه های اشعه ایکس سفارش شده جهت نیروی هوایی شاهنشاهی در کمیسیون با حضور نمایندگان ادارات کل سوم و ششم و نماینده نیروی هوایی شاهنشاهی مورد بررسی قرار گرفت و در نتیجه برابر صورت جلسه ای که در این مورد تنظیم شد، پیشنهاد گردید که دستگاه های مورد نظر توسط متخصصین کارخانه سازنده به تهران حمل

پیمان ساواک با موساد

و پس از نصب و آزمایش آنها نسبت به طرز کار و بهره برداری سرویس و رفع گیرهای اولیه آنها آموزش لازم به افراد ذیصلاح داده شود. بنابراین خواهشمند است دستور فرمایید:

۱- از نظر تأمین هزینه آمد و رفت و اقامت متخصصین اعزامی از کشور اسرائیل به تهران به نحو مقتضی اقدام لازم معمول دارند.

۲- ... نسبت به شرکت ۲ نفر از تکنسین های نیروی هوایی شاهنشاهی هم که متعاقباً معرفی خواهند شد اقدام لازم معمول و نتیجه را اعلام دارند.» (۲۵)

همکاری دوجانبه

برخی منابع خارجی، شروع برقراری ارتباط بین ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل را سال‌ها پیش از سال ۱۳۳۹ شمسی - که بعضی منابع داخلی بر آن تاءکید داشته‌اند - دانسته‌اند. منابع مزبور درباره اولین ملاقات رئیس وقت ساواک با مقامات اطلاعاتی و سیاسی اسرائیل چنین روایت کرده‌اند:

«در سپتامبر ۱۹۵۷ [۱۳۳۶ ش] تیمسار تیمور بختیار نخستین رئیس سازمان اطلاعاتی تازه تشکیل یافته ساواک (سازمان اطلاعات و امنیت کشور) در پاریس با کاروز^(۲۶) که در مقام "رایزن سیاسی" در سفارت اسرائیل خدمت می‌کرد، دیدار به عمل آورد.» (۲۷)

این دیدار برای مقامات اسرائیلی بسیار قابل توجه و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود.

«این گشایشی حیاتی در این زمینه بود. کازور بعدها گفت: ایسر [هارل، رئیس موساد] موضوع را مستقیماً نزد گلدا [مایر، وزیر امور خارجه] برد. این نخستین باری بود که یک کشور مسلمان به ما اظهار علاقه می‌کرد.» (۲۸)

عمق و ابعاد ارتباط پنهان بین ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل، در آن سال‌ها به گونه‌ای بود که موجب ایجاد "روابط دوستانه شخصی" و بسیار نزدیک میان ایسرهاارل رئیس موساد و تیمور بختیار رئیس ساواک شده بود. (۲۹)

در سال ۱۳۳۹ جلسه بسیار مهمی بین مقامات بلند پایه دو سازمان ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل برگزار شد که تصمیمات بااهمیتی در آن اتخاذ گردید. در این جلسه که روز دوشنبه ۲۴ مرداد ماه سال ۱۳۳۹ شمسی با عنوان جلسه کمیته هماهنگی رؤسای سازمان‌های اطلاعات ایران و اسرائیل برگزار شد، سپهبد تیمور بختیار، سرتیپ پاکروان و سرتیپ علوی کیا از طرف ایران و ایسرهاارل و یعاکف کاروز از طرف اسرائیل حضور داشتند.

در این جلسه ایسرهاارل رئیس موساد با اشاره به موقعیت حساس ایران و اسرائیل، ضرورت ایجاد هماهنگی بین طرفین در حوزه سیاست خارجی و فعالیت‌های بین‌المللی و تبادل نظر و

توافق در صحنه تلاش‌های منطقه‌ای و جهانی را خواستار شد. نامبرده حفظ منافع ایران شاهنشاهی را برای اسرائیل حیاتی دانست و پشتیبانی رژیم صهیونیستی از سلطنت پهلوی را یادآور شد و آن را قدمی به نفع خود اسرائیل برشمرد. مذاکرات و تصمیمات این جلسه که بیشتر متضمن منافع و اهداف رژیم صهیونیستی بود، شامل چند محور عمده، یعنی "اهداف کلی" همکاری دو جانبه، "نحوه و ابعاد همکاری" و نیز "طرح‌ها و پیشنهادهای برای اقدامات اولیه" بود. در بخشی از گزارش ساواک درباره محتوای مذاکرات جلسه مزبور چنین آمده است:

«رؤسای سازمانهای اطلاعات ایران و اسرائیل با حضور سپهبد بختیار - آقایان هارل - کاروز - سرتیپ پاکروان - سرتیپ علوی کیا منعقد شد...»

۱- هدفهای کلی:

آقای هارل متذکر شد که هدفهای کلی در مرحله حاضر عبارت است از:

- جلوگیری از هرگونه افزایش قدرت ناصر.
- دفع حمله تبلیغاتی که جمال عبدالناصر با تشریک مساعی روسها علیه ایران آغاز کرده است. در این خصوص اقدام عمومی در فاش کردن ماهیت حقیقی عبدالناصر و سیاست او لازم است.
- تقویت ایران از نقطه نظر سیاسی و اقتصادی تا مبانی ثبات و پایداری ایران مستحکم تر شود.
- دولت اسرائیل حاضر است که تمام امکانات خود را بدون هیچگونه قید و شرط و با تمام قدرت و با رعایت تمام شرایطی که فعلاً باید دولت ایران ملاحظه نماید در اختیار ایران بگذارد.
- ۲- نحوه همکاری:

همکاری می‌تواند در حیطه‌های زیر به طور مؤثری صورت گیرد:

- ۱- حیطه سیاسی
- ۲- حیطه تبلیغاتی
- ۳- حیطه اجتماعی

در حیطه سیاسی: چنانچه در کشورهای مهم دنیا بین نمایندگان سیاسی دو کشور طبق دستورات مرکز تبادل نظر و مشورت به عمل آید و برای حل مسائل جاری راه مشترکی آغاز شود، زودتر و مؤثرتر به منظور خود نائل خواهیم شد و شاید بعضی مسائل که به تنهایی قابل حل نبودند به آسانی راه حل پیدا کنند. نمایندگان دولت اسرائیل تمام تجربیات و معلومات خود را در اختیار نمایندگان ایران خواهند گذاشت. «لویی»های موجود را به کار خواهیم برد و به نمایندگان ایرانی در اداره عمل «لویی» راهنمایی خواهیم کرد. شرط موفقیت این است که نمایندگان ایرانی خارجی ایران که به طور کلی ضعیف می‌باشند به طور شایسته‌ای تقویت شوند و باید به طور قطع

پیمان ساواک با موساد

برای این منظور در سفارتخانه‌های مهم تعداد کارمندان ورزیده و شایسته افزایش یابد؛ زیرا در وضع حاضر امکانات اغلب سفارتخانه‌ها به قدری محدود است که قادر به انجام وظایف محوله نمی‌باشند.

در حیطه تبلیغاتی: با در نظر گرفتن حمله تبلیغاتی بی سابقه‌ای که علیه ایران جریان دارد، باید تمام وسایل را بکار برد تا از شدت این حمله کاسته شود. برای این منظور باید آشنایی کامل با محیط مطبوعاتی کشورهای مختلف داشت و با شخصیت‌های متنفذ این محافل تماس نزدیکی برقرار شود. و در محیط هر کشور طبق مختصات روانی آن کشور عمل نمود تا به نتیجه برسیم. نمایندگان دولت اسرائیل در خارج در این خصوص معلومات خیلی وسیعی دارند که تماماً در اختیار نمایندگان ایرانی گذاشته خواهد شد...»

رئیس موساد در این مذاکرات، با بزرگنمایی میزان توانایی‌ها، نفوذ و امکانات اسرائیل از یک سو و نیازها و منافع ایران از سوی دیگر، به شکل‌های فراوان سعی در تطمیع رؤسا و مقامات ساواک نمود. در حالی که در تمام محورها، این منافع رژیم صهیونیستی بود که مدنظر قرار گرفته و تعقیب شده بود.

۱۲۹

از آنجا که همکاری دو جانبه ساواک و موساد و نشست‌های کمیته اطلاعاتی مشترک دست آورد ذیقیمتی برای اسرائیل داشت، مقامات موساد همواره در تقویت و استمرار فعالیت آن می‌کوشیدند. زیرا اسرائیلی‌ها با بهره‌گیری از پوشش ساواک و دولت شاهنشاهی مطامع خود را در کشورهای اسلامی تعقیب می‌کردند. و به علاوه نتایج دست آوردهای عمده این همکاری و حتی عملیات مشترک به نفع رژیم اسرائیل منتهی می‌شود.

گزارش مستند و گویای ساواک درباره یکی از نشست‌های کمیته اطلاعاتی مشترک ایران و اسرائیل در این باره خواندنی و قابل توجه است. این گزارش تلاش و اقدامات مرموزانه موساد علیه برخی کشورهای اسلامی چون مصر، سوریه، لبنان را به وضوح آشکار می‌سازد و به علاوه مأموریت ساواک را در تأمین پوشش جاسوسان و مأموران موساد و حتی تهیه اسناد و اوراق هویت ایرانی برای جاسوسان صهیونیست به خوبی نشان می‌دهد. استخدام و تربیت مأمور، تحت نام و پوشش ایران، اما در خدمت برنامه‌ها و اهداف سرویس اسرائیل کاملاً میزان سرسپردگی ساواک را آشکار می‌سازد.

«به شرف عرض رسید و مورد تصویب واقع شد. ترتیب لازم برای همکاری دو کشور داده خواهد شد.

در قسمت دوم مذاکرات ترتیبات همکاری بین مأموران دو سرویس مورد مطالعه واقع شد و عملیاتی که تا به حال انجام گرفته مرور شد و اصلاحات لازم برای پیشرفت کار مطرح گردید.»

در گزارش ساواک درباره نشست اعضای بلندپایه کمیته اطلاعاتی مشترک میان ایران و اسرائیل و شروع عملیات ویژه اطلاعاتی علیه بعضی کشورهای عربی آمده است:

«در تاریخ ۲۴ - ۲۵ و ۲۶ مرداد ۱۳۳۹ (مطابق با ۱۵ - ۱۶ و ۱۷ اوت ۱۹۶۰) کمیته اطلاعاتی مشترک ایران و اسرائیل مرکب از آقایان آلموگ - رابکین - بابایی به نمایندگی از طرف اسرائیل و انصاری - عظیمی - کاوه - عالیخانی از طرف ایران تشکیل شد.

دستور کمیته به شرح زیر بود:

- ۱- فعالیت های علیه سوریه و مصر از لبنان.
 - ۲- فعالیت های علیه سوریه و مصر از کشورهای بی طرف دیگر.
 - ۳- استخدام مأمورین ویژه تحت پوششهای مختلف و آموزش آنها.
 - ۴- تأمین وسایل ارتباطی برای مأمورین موجود و بهبود وضعیت ارتباطی آنها.
 - ۵- شروع عملیات مخصوص.
 - ۶- تهیه اسناد ایرانی برای مأمورین ویژه سرویس اسرائیل.
 - ۷- کسب اخبار از منابعی که من غیر عمد اطلاعاتی را افشا می کنند (منابع ناآگاه).
- کمیته مشترک به اتفاق آرا تصمیم گرفت پیشنهادات زیر را برای تصویب به رؤسای سرویسهای اطلاعاتی دو کشور تسلیم نماید.

۱۳۰

- ۱- فعالیتهای علیه سوریه و مصر از لبنان:
- الف) سرویس ایران یک نفر با پوشش مناسب در سفارت ایران در بیروت مستقر سازد. این شخص ممکن است به وسیله سرویس اسرائیل تعلیم داده شده و با محیط خدمتی خود آشنا گردد. از طرف سرویس اسرائیل وسائل ارتباط لازم در اختیار او گذارده خواهد شد.
- ب) باید از وجود ایرانیهای مقیم لبنان - لبنانیها و سوریهای مخالف ناصر مقیم لبنان (که شناخته نشده اند) برای ایجاد شبکه اطلاعاتی به منظور کسب اطلاع از سوریه استفاده نمود. سرویس اسرائیل حاضر است فهرست تعدادی اشخاص نشان شده را در اختیار سرویس ایران گذارده و حتی المقدور راجع به تحقیق در اطراف نشان شده ها و استخدام اشخاص مناسب به سرویس ایران کمک نماید.
- ج) تحقیق درباره نمایندگیهای مختلف لبنان که در سوریه مستقر می باشند (از قبیل نمایندگی تجارتنی - بانکی - بیمه - حمل و نقل و غیره) و بررسی درباره امکان استفاده اطلاعاتی از طریق این نمایندگیها.

- ۲- فعالیت علیه سوریه و مصر از کشورهای بی طرف دیگر:
- الف) بررسی امکان عملیاتی علیه مصر از طریق کشورهای لیبی - سودان - عربستان سعودی (ب)

پیمان ساواک با موساد

بررسی امکان استفاده از سودانیهایی که در مصر کارمند ادارات دولتی هستند و به آنها از طرف دولت مصر به منظور مستعفی کردن آنها فشار آورده می شود و بالتبعه این اشخاص از دستگاه ناراضی هستند.

ج) در هر نقطه از جهان که دو کشور ایران و ج.م.ع نمایندگی سیاسی دارند مأمورین سرویس ایران اشخاص مناسبی را در بین کارمندان نمایندگی سیاسی ج.م.ع نشان کرده و به تدریج در مورد استخدام آنان مطالعه می نمایند سرویس اسرائیل در مورد استخدام این قبیل نشان شده ها کمک خواهد کرد.

۳- استخدام مأمور ویژه :

دو سرویس ایران و اسرائیل فعالیت مشترک فعلی خود را به منظور استخدام و تربیت مأمور توسعه خواهند داد. سرویس اسرائیل حاضر است برای تعلیم مأمورین سرویس ایرانی (به طور نظری و عملی) در صورت لزوم به نقاط دیگر جهان نیز کارشناسانی بفرستند.

۴- وسایل ارتباط :

سرویس اسرائیل برای تکمیل وسایل ارتباط مأمورین سرویس ایران حاضر است هرگونه وسیله از قبیل بی سیم - مرکب نامرئی - وسایل عکاسی - مخفی کردن پیام و غیره در اختیار سرویس ایران بگذارد و طرز به کار بردن آنها را نیز تعلیم دهد. سرویس ایران صورت نیازمندیهای خود را تهیه و به سرویس اسرائیل خواهد داد.

۵- شروع عملیات مخصوص :

عملیات مخصوص دو سرویس باید با توجه به دو اصل صورت گیرد :

(یکم) - بررسی فعالیتهای اطلاعاتی و تخریبی ناصر در خاورمیانه و مقابله با آنها. در این مورد لازم است نحوه نفوذ در سازمان اطلاعاتی مصر و سوریه، روش رسوخ در میان عوامل ناصر و پایگاههای وی در خاورمیانه و کشورهای دوست دیگر مورد مطالعه قرار گیرد.

(دوم) - نقطه ضعف ناصر در سوریه است. بنابراین باید نهایت کوشش را برای کسب اطلاع از وضع سوریه به کار برد و درباره شرایط فعلی محافل و طبقات مختلف این کشور دقیقاً تحقیق کرد و با توجه بآنها برای وارد آوردن ضربه مهلک به ناصر در سوریه از وضعیت مناسب استفاده نمود.

با توجه به نکات فوق توصیه های زیر می شود:

الف) اقدام به عملیات ویژه مشترک در کشورهای عرب با توجه به امکانات ارتباطی ایران (استفاده از محافل اقتصادی سوریه که از ناصر بیزار هستند و همچنین بررسی امکان به کار بردن اعضای حزب منحله بعث). هدف این عملیات کشف فعالیت محافل مصری و طرفدار مصری و پیدا

نمودن طرق مقابله با آنهاست .

ب) بررسی روابط فعلی ایران و سوریه پس از قطع روابط سیاسی با ج.م.ع؛ در این مورد باید امکان استفاده از تجار سوری مقیم ایران- پرواز هواپیماهای ایرانی از فراز سوریه و رفت و آمد کشتیهای ایرانی را در بنادر ج.م.ع مورد نظر قرار داد.

ج) کسب اطلاع از مدارکی که احتمالاً در سفارت ج.م.ع در ایران موجود است .

۶- تهیه اسناد برای مأمورین ویژه :

سرویس ایرانی حاضر است مدارک هویت لازم (شناسنامه و گذرنامه) جهت مأمورین اسرائیلی که به صورت یک نفر ایرانی به کشور عربی اعزام می شوند تهیه نماید.

۷- تحقیق از منابع آگاه :

باید به مأمورین اطلاعاتی دو سرویس اهمیت استفاده از منابع ناآگاه توضیح و تعلیمات کافی داده شود. منابع ناآگاه در صورتی که به نحو زیرکانه و صحیحی مورد استفاده قرار گیرند یکی از مفیدترین و سرشارترین منابع اطلاعاتی می باشند. دو سرویس باید مرتباً فهرستی از مطالبی که می توان درباره آنها اطلاعاتی از منابع ناآگاه تهیه کرد در اختیار مأمورین خود بگذارند.

- به منظور تسهیل امکان اجرای برنامه فوق سرویس ایرانی یک مأمور برای ارتباط با سرویس اسرائیل معرفی خواهد کرد.

- به منظور بررسی نتیجه فعالیت‌های محوله در مورد پیشنهادات بالا و تشخیص معایب و نواقص و طرق مرتفع ساختن آنها کمیته اطلاعاتی مشترک دو سرویس سه ماه دیگر از این تاریخ [آبان ۱۳۳۹] در اسرائیل تشکیل جلسه خواهد داد.»

۱۳۲

طرح کریستال یا بلور

طرح رمزآلود "کریستال یا بلور" اوج همکاری سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) با سازمان اطلاعات و جاسوسی اسرائیل و تماماً متضمن مطامع و منافع صهیونیست‌ها بود.

طرح کریستال نشان می‌دهد که چگونه اداره کل دوم و هشتم ساواک عملاً در خدمت برنامه‌ها و اهداف اسرائیل در ایران و دیگر کشورها، به ویژه ممالک اسلامی از هیچ تلاش و کوشش فروگذار نمی‌کردند. شناسایی، استخدام، آموزش و اعزام جاسوس به کشورهای اسلامی در قالب طرح کریستال به طور کامل تحت نام و پوشش ساواک اما با هدایت و کنترل و نقشه اسرائیلی‌ها اجرا و عملی شد.

یکی از اسناد به جا مانده از ساواک در این باره اطلاعات مفیدی ارائه می‌دهد:

CEVIZ = تهران

I = عراق

زیتون = اسرائیل

کلنل = سرهنگ کارون

و اما متن سند:

درباره عملیات اطلاعات مثبت که از شهر «سویز» [تهران] هدایت می گردد.

مقدمه

۱- این گزارش خلاصه مذاکرات قبل در مورد موضوع بالا و ادامه تصمیمات دو رئیس سرویس در شهر زیتون [اسرائیل] در ژانویه ۱۹۶۶ [۱۳۴۵] می باشد.

۲- هدف از پیشنهاداتی که در این گزارش قید می گردد استخدام منابع جدید و باارزش در شهر سویز است که بتوانند اطلاعاتی درباره مقاصد مقامات عالی رتبه نظامی و سویل دشمن بدهند و با این ترتیب نیازمندیهای اطلاعاتی تعیین کنندگان خط مشی سیاسی و مشتریان اطلاعاتی را برآورده کنند.

امکانات موجود در شهر سویز

۳- تعداد قابل توجهی از اتباع [عراق] در شهر سویز زندگی می کنند. از سایر کشورهای هدف نیز افرادی برای مقاصد مختلفی به سویز می آیند. این موضوع می تواند وسیله ای برای استخدام منابع باارزش جدید بوده و اطلاعاتی در مورد کشورهای هدف تهیه کند.

مأموریت

۴- برای اینکه بتوان از امکانات بالا حداکثر استفاده را نمود باید یک برنامه عملیاتی کافی را مورد مذاقه قرار داد و به مرحله اجرا گذاشت.

۵- برای اینکه این مأموریت به مرحله اجرا گذاشته شود پیشنهاد می گردد یک هیئت اجرایی از افراد زیر تشکیل شود:

الف) نماینده ای از اداره دوم

ب) نماینده ای از اداره هشتم

ج) نماینده ما سرهنگ د- ک

۶- ادارات دوم و هشتم خواهند توانست اطلاعات عملیاتی باارزشی را که دارند در اختیار هیئت اجرایی قرار دهند.

۷- این هیئت که در آن ادارات مربوط به عملیات شرکت دارند واحدهای مربوطه خود را تقویت می کنند تا مطالب اطلاعاتی مورد لزوم را در مورد کاندیدا تهیه نمایند و سپس در مورد طرز عملی که باید انجام گیرد تصمیم خواهند گرفت.

۸- ما حاضر هستیم که یک افسر عملیاتی در اختیار هیئت اجرایی بگذاریم که سوژه را نشان کرده اطلاعات عملیاتی در مورد او جمع آوری کنند. این افسر عملیات، طبق دستوراتی که هیئت اجرایی به او می دهد رفتار خواهد کرد.

۹- در این مورد عقاید شخصی مدیر کل اداره هشتم شایان کمال توجه است.

۱۰- البته تأکید می شود که در ابتدا عملیات این سنگر قدری کند است و تخمین زده می شود که در طی سال اول عملیات نباید بیش از سه یا پنج مأمور استخدام گردد که این مأمورین باید از مأمورین سطح بالا باشند که بتوانند جواب گوی نیازمندیهای بخصوص ما گردند.

۱۱- موضوع مالی در اداره ما مورد بحث قرار گرفته و سرویس ما [اسرائیل] حاضر است هزینه های عملیاتی را در این مورد مرتفع سازد.

نتیجه

۱۲- برای هر گونه توضیح دیگری که بخواهید ما در اختیار شما هستیم و پیشنهاد می کنیم این هیئت اجرایی هر چه زودتر تشکیل گردد.»

موضوع بسیار جالب توجه، نوع ادبیات و محتوای این سند است؛ به گونه ای که نشان می دهد طرف اسرائیلی به عنوان متکلم وحده، طرح و پیشنهاد می دهد و دیکته می کند و طرف ایرانی فقط مخاطب است.

گزارش دیگر در این باره اعتراف اداره کل دوم ساواک است که کاملاً نشان می دهد چگونه اسرائیلی ها ساواک را آلت دست و امیال خود قرار داده و در جهت طرح ها و اهداف خود از آن استفاده می کردند. به علاوه گزارش مورد نظر گویای این واقعیت است که طرح اسرائیلی ها در زمینه استخدام جاسوسی، هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی و مهمتر از همه اطلاعاتی و امنیتی، مطابق موقعیت، مصلحت و منافع و برنامه های ساواک نبود. به علاوه ضمن تشدید سطح وابستگی ساواک به موساد، میزان نفوذ و رخنه اسرائیلی ها را در ادارات مختلف این سازمان افزایش می داد. این موضوع در لابلای اسناد به جا مانده از ساواک کاملاً خودنمایی می کند:

«در اجرای پی نوشت تیمسار ریاست سازمان اطلاعات خارجی در گزارش واصله از دوستان زیتون ضمن تقدیم دوبرگه ترجمه و عین گزارش مذکور نتیجه بررسیهای معموله در این زمینه را به عرض می رساند:

۱- به طور کلی منابعی که در بند ۳ گزارش پیوست ذکر شده و از وجود آنان در شهر CEVIZ [تهران] می توان استفاده نمود به شرح ذیل می باشد.

پیمان ساواک با موساد

الف) اتباع کشور شاهنشاهی که قبلاً تابعیت یکی از کشورهای عربی را داشته و ترک تابعیت نموده ولی اینک اقوام و نزدیکانی در آن کشور دارند.

ب) افرادی که تبعه کشور شاهنشاهی بوده ولی دارای بستگانی در کشورهای هدف مورد بحث بوده و به علل مختلف به کشورهای مذکور مسافرت نمایند.

ج) اتباع کشورهای هدف که به مناسبتی به کشور شاهنشاهی وارد می‌شوند (مانند مأمورین رسمی، بازدیدها و مسافرتها رسمی، زیارت و غیره).

۲- اجرای طرح پیشنهادی دوستان زیتون اشکالات عدیده‌ای در موارد زیر ایجاد می‌نماید که موجب رکود فعالیت‌های فعلی دستگاه نیز خواهد شد.

الف) وظایف ادارات کل سوم و هشتم و دوم تداخل نموده و در نتیجه موجبات شناخته شدن عواملی را که در ادارات مذکور با توجه به طرح پیشنهادی دوستان زیتون معرفی می‌نمایند فراهم می‌گردد.

ب) برای انجام طرح مذکور کادر ورزیده برای هر سه اداره کل مخصوصاً اداره کل دوم مورد نیاز است که با توجه به کثرت کار و قلت کارمند، درگیری جهت اجرای این طرح برای اداره کل دوم مقدور نیست.

۱۳۵

ج) در نتیجه دخالت و تماس دوستان زیتون با عوامل عملیاتی ساواک که مسئول اجرای موارد مختلف طرح هستند نفوذ آنان در دستگاه زیادتر شده و این امر مغایر با اصول حفاظت است.

د) در اثر کنترلی که مقامات ضد جاسوسی از سفارتخانه‌ها و سایر ادارات و قسمت‌های خارجیان به عمل می‌آورند افراد مورد نظر در طرح که برابر دستور و تعلیمات داده شده بایستی به این اماکن آمد و رفت نمایند، مورد سوءظن قرار گرفته و در نتیجه اداره کل دوم برای حفظ منابع اجباراً بایستی با دادن هویت و مشخصات عوامل مربوطه اقرار به همکاری با منبع بنماید که این امر باعث شناخته شدن مأمورین شده و در نتیجه مغایر با حیطة بندی حفاظتی است.

ه) با امکانات وسیعی که دوستان زیتون از نظر رهبران عملیات ورزیده و کادر تعلیم یافته و بودجه کافی و سایر موارد در اختیار دارند این امکان نیز وجود دارد که پس از ورود عوامل و مأمورین استخدام شده به کشور هدف دوستان زیتون مأمور مورد نظر را در اختیار گرفته و بدون همکاری با ساواک از او استفاده نمایند. خصوصاً در کشورهایی که همجوار کشور زیتون بوده و عوامل دیگر ساواک هم در این مورد قادر به کنترل عملیات آنان نمی‌باشد.

و) به نظر می‌رسد دوستان زیتون بدینوسیله از کشور شاهنشاهی به عنوان پایگاه استفاده خواهند نمود خصوصاً اینکه کشور پایگاه کشوری است که از طریق آن و بدون جلب توجه مقامات امنیتی آن کشور عملیات پنهانی و جمع‌آوری خبر از کشور شاهنشاهی به عنوان کشور پایگاه استفاده

نموده از پشتیبانی ساواک در اجرای طرح پیشنهادی خویش نیز بهره مند شده و در مواقع خطر نیز که مأمورین و عوامل مربوطه در کشور هدف گرفتار شوند کشور شاهنشاهی مسئول شناخته شده و نامی از کشور زیتون برده نخواهد شد.

اداره کل دوم» (۳۰)

نکته بسیار در خور توجه و تامل در اسناد و گزارش های ساواک ، اعلام نظر منفی و مخالف کارشناسان و مدیران کل هشتم و دوم ساواک درباره طرح کریستال یا بلور است . کارشناسان و مدیران کل مورد اشاره از همه لحاظ و جنبه ها ، طرح مزبور را مغایر برنامه ها ، اهداف و منافع ایران و ساواک ارزیابی کرده و نظر مخالف کارشناسی خود را نسبت به آنها اعلام کرده بودند. لیکن آن گونه که مدارک ساواک نشان می دهد ، دست های مخفی و مرموز وارد صحنه شدند و به ساواک چنین توصیه کردند:

«پیشنهادات آنان [اسرائیلی ها] با نظر مثبت ارزیابی شود.»

و به این ترتیب بود که ابتدا ، جلسه ای در ساعت ۷/۵۵ الی ۹/۵ روز ۱۳۴۵/۳/۱۹ در محل باشگاه ساواک در تهران با حضور افراد ذیل برگزار شد:

«نمایندگان ساواک :

۱- آقای هاشمی مدیر کل اداره هشتم .

۲- آقای نگهبانی مدیر کل اداره دوم .

۳- آقای فرازبان رئیس اداره برون مرزی اداره کل دوم .

۴- آقای وحدانی کارمند اداره کل هشتم .

نمایندگان زیتون [اسرائیل]:

۱- سرهنگ وردی ، رئیس اداره جمع آوری سازمان اطلاعات خارجی .

۲- یاگیل ، نماینده زیتون [اسرائیل] در مرکز [تهران].

۳- سرهنگ کارون ، نماینده زیتون [اسرائیل] در مرکز [تهران].»

در این جلسه کلیات تشکیل کمیته یا سازمان اجرایی ، چگونگی جذب و استخدام منبع یا جاسوس از میان اتباع کشورهای عربی مقیم ایران ، به خصوص عراقی ها ، تشکیل صندوق مشترک برای این طرح ، تعیین کشورهای هدف ، آن گونه که مد نظر مقامات دستگاه اطلاعاتی اسرائیل بود به تصویب رسید.

در این جلسه ، عمده پیشنهاد های طرف اسرائیلی مورد موافقت مدیران کل ساواک قرار گرفت . از جمله این پیشنهادها ، طرح اسرائیلی ها مبنی بر شناسایی و جذب جاسوس از میان کشورهای عربی ، آن هم در سطوح بسیار عالی بود. به طوری که سرهنگ وردی (طرف

پیمان ساواک با موساد

اسرائیلی) نمونه‌ای از این نوع جاسوسان استخدام شده از سوی ساواک و اسرائیل را به نام «عبدالوهاب» با شماره رمز «۹۵» که از اتباع مصر بود نام می‌برد و در این خصوص به طور ویژه تاءکید می‌کند.

مطالعه بخشی از سند ساواک در این باره خالی از فایده نیست :

«آقای وردی : ... نظر تیمسار سرلشکر معترضداشتن اطلاعات عالی سیاسی و استخدام منابع سیاسی رده‌های عالی تر [است] و ایشان گفتند که منابعی مثل ۹۵ اداره کل دوم باید بیشتر داشته باشیم که به نفع دو سرویس است .

... برای بهتر انتخاب کردن و استخدام منابع ما باید اطلاعات عملیاتی خوب داشته باشیم و گروهی که تشکیل می‌شود این اطلاعات را بررسی می‌کنند و مسائل عملیاتی مثل چه شخص آجودان رئیس جمهوری است . کی منشی اوست و غیره ...

این امر تمرکز اطلاعات عملیاتی است و وقتی این اطلاعات جمع شد ما می‌گوییم کی باید این عملیات را ادامه دهد و چه اشخاصی باید استخدام شوند. ... بهترین نمونه و مثال این امر عملیات مشترکی در مورد آن تبعه مصری عبدالوهاب است که خیلی خوب استفاده کردیم و اطلاعات خوب و مثبت و عملیاتی [را] بازجویان ما گرفتند و کلیه عملیات مثال خوبی برای این امر مشترک بود و خیلی موضوع دقیق و حساسی بود. خیلی از جناب سرهنگ هاشمی و مذاکراتی که نمودیم و بخصوص در مورد کار مشترک عبدالوهاب تشکر می‌کنم بخصوص که این امر زیر نظر مستقیم ایشان انجام گرفت .»

سرهنگ هاشمی مدیر کل اداره هشتم ساواک در پاسخ به طرف اسرائیلی چنین پاسخ می‌گوید:

«ما به طوری که بتوانیم عراقی‌ها یا کویتی‌ها که در ایران هستند مشخصات آنها را به شما بدهیم و کمیته هر سؤالی دارد بگوید و ما براساس درخواست کمیته اطلاعات بیشتری تحقیق کرده و به کمیته می‌دهیم و بدین ترتیب کار را شروع می‌کنیم .»

سرهنگ وردی (طرف اسرائیلی) که روند و ماحصل مذاکرات را مطابق طرح و برنامه خود و دوستانش ارزیابی می‌کند، فوراً به گونه‌ای سعی دارد جلسه را مختومه اعلام کند؛ لذا در پاسخ به طرف ایرانی می‌گوید:

«موافق هستیم . نظر دیگری ندارم . تصور می‌کنم این ملاقات دوجانبه به نتیجه رسید و به حدود وظایف و شروع اقدامات رسیده‌ایم و تصور می‌کنم این نظرات باید به تصویب رؤسای ما برسد.»

اسرائیلی‌ها به گونه‌ای برنامه ریزی کرده بودند که بلافاصله پس از ختم جلسه مدیران کل ،

نشست رؤسا و مقامات بلندپایه دو طرف شروع شد. این جلسه نیز در ساعت ۹/۴۵ روز ۱۳۴۵/۳/۱۹ در همان محل باشگاه ساواک با شرکت افراد ذیل برگزار شد:

«از طرف ساواک:

- ۱- تیمسار سپهبد نصیری ، رئیس ساواک .
 - ۲- تیمسار سرلشگر معتضد رئیس سازمان اطلاعات خارجی .
 - ۳- هاشمی مدیر کل اداره هشتم .
 - ۴- نگهبانی ، مدیر کل اداره دوم .
 - ۵- فرازیان ، رئیس اداره برون مرزی اداره کل دوم .
- از طرف سرویس اطلاعات اسرائیل :
- ۱- ژنرال امیت ، رئیس سرویس اطلاعات خارجی
 - ۲- عیدان ، معاونت سرویس اطلاعات خارجی
 - ۳- سرهنگ وردی ، رئیس اداره جمع آوری سازمان اطلاعات خارجی
 - ۴- یاگیل ، نماینده سرویس اطلاعاتی اسرائیل در تهران
 - ۵- سرهنگ کارون ، نماینده سرویس اطلاعاتی اسرائیل در تهران

۱۳۸

ژنرال امیت ، رئیس سرویس اطلاعات خارجی اسرائیل ضمن ابراز رضایت از حسن همکاری ساواک بادستگاه اطلاعاتی اسرائیل به طور تلویحی خواستار متابعت بی چون و چرای ساواک از برنامه های آنهاست :

«در حدود شش ماه پیش در این مورد مذاکره شد و اینک پیشرفت عملیات اطلاعات مشترک نتیجه خود را می دهد و این امر باید اضافه شود که نیاز مندبهای اطلاعات ما از نظر نیروهای زمینی - دریایی - زرهی - سپاهی و غیره تاءمین شده و اطلاعاتی در این مورد جمع آوری شده است و اگر در آتیه این همکاری ادامه یابد ما کم و بیش راضی خواهیم بود و در تمام رده ها رضایت کامل برقرار خواهد بود و همکاری عالی بوده است و هیچ گونه ناراحتی و تذکری از ناحیه ما در این مورد نیست .»

به این ترتیب ، این بخش از همکاری ساواک با دستگاه اطلاعات اسرائیل تحت عنوان طرح بلور یا کریستال با فشار و اصرار طرف اسرائیلی به طور جدی در دستور فعالیت تشکیلات دو طرف قرار گرفت .

اگر چه ، شماری از مدیران و کارشناسان ساواک این طرح را مغایر منافع ، موقعیت و مصلحت طرف ایرانی ارزیابی کرده بودند. در این باره و نیز چگونگی و مراحل شکل گیری طرح

بلور گزارش اداره کل دوم ساواک خطاب به نصیری رئیس این تشکیلات خواندنی است :
«به عرض می‌رساند، به طوری که استحضار دارند در تاریخ ۴۵/۳/۱۰ دوستان زیتون ضمن
تقدیم یادداشتی به حضور ریاست سازمان اطلاعات خارجی پیشنهاداتی در مورد شروع عملیات
مشترک برای استخدام منابع در کشورهای هدف در ایران نمودند که مراتب جهت بررسی و
اعلام نظر باین اداره کل ارجاع گردید.

در اجرای اوامر صادره در این مورد بررسیهای لازم معمول و مراتب طی گزارشات مورخه ۱۶ و
۴۵/۳/۱۷ ضمن تشریح مشکلات حاصله از این همکاری و عدم امکان اجرای نظرات دوستان
به عرض رسید که مقرر فرمودند با اداره کل هشتم مجدداً بررسی و اعلام نظر گردد و این اداره
کل ضمن بررسی با مدیریت اداره کل هشتم به این نتیجه رسید که چنانچه به دوستان گفته شود به
علل عدم بررسی قبلی در مورد پیشنهادات آنان این امر به تعویق افتد شاید با گذشت زمان مطلب
منتفی شده تلقی گردد ولی در تاریخ ۴۵/۳/۱۸ مقرر گردید که :

«پیشنهادات آنان با نظر مثبت بررسی شود» لذا در اجرای اوامر صادره در تاریخ ۴۵/۳/۱۹
کمیسیونی با حضور سه نفر نمایندگان دوستان و اینجانب و مدیریت کل اداره هشتم و رئیس اداره
برونمرزی و آقای وحدانی کارمند اداره کل هشتم در باشگاه تشکیل و با توجه به بررسیهای قبلی
که وسیله این اداره کل با مدیریت کل اداره هشتم شده بود در مورد پیشنهادات واصله از دوستان
به شرح زیر اظهار نظر گردید. (به متن مذاکرات معموله پیوست الف مراجعه فرمایند) که مورد
موافقت دوستان زیتون قرار گرفت .

۱- بدو باید کشورهای هدف برای دو سرویس تعیین شود که براساس آن طرح نیازمندی و جمع
آوری اطلاعات مشترک تهیه و سپس به مبنای آن طرح‌ها نسبت به استخدام منابع اقدام گردد.

- استخدام منابع و شرائط آن :

الف) ایرانی نباشد.

ب) تبعه کشورهای هدف باشند.

ج) از کارمندان نمایندگیهای سیاسی و کارمندان محلی تبعه کشور هدف در مؤسسات فوق
نباشند.

۲- اجرا

۳- مسائل مالی و اداری

[...]

۴- آغاز کار

[...]

ج) چون در نظر است براساس مذاکرات معمولی برای شروع کار کشورهای هدف فقط عراق و مصر منظور گردد که براساس آن طرح جمع آوری جهت نفوذ و استخدام منابع تهیه بشود، مستدعی است چنانچه مورد تصویب است، ابلاغ فرمایند. اداره کل دوم «
گزیده طرح همکاری مشترک ایران و اسرائیل که از سوی اداره کل دوم ساواک تدوین شده بود به شرح ذیل است :

«به منظور اجرای مراحل مقدماتی طرح همکاری مشترک بین ساواک و دوستان زیتون با استفاده از تجارب همکاری های گذشته یک سلسله بررسی های لازم توسط این اداره کل و اداره کل هشتم معمول و موافقت نامه های همکاری های مشترکی در یک برگ و روش جاری شامل (هدف ها-وظایف-امور عملیاتی و استخدامی-امور مالی و حدود اختیارات کمیته اجرایی) ... به پیوست تقدیم [می گردد] و از عرض می گذرانند ...

صورت اسامی رمز طرح بلور

ایران = جوین

اسرائیل = زیتون

اداره کل دوم = سالار

اداره کل هشتم = شهاب

عراق = یاسمن

مصر = شمعدانی

سوریه = بنفشه

جبهه تحریر خوزستان = جبهه شبنم

دفتر انورالسادات = دفتر سرخ

موافقت نامه همکاری مشترک بین (جوین و زیتون)

الف) استخدام منابع در رده های بالا در کشورهای هدف با تصویب طرفین انجام خواهد گرفت ...

ز) طرح مشترک همکاری به نام (بلور) شناخته می شود [...].

روش جاری طرح همکاری مشترک (جوین و زیتون).

الف) هدف ها

۱- یاسمن

۲- شمعدانی

۳- بنفشه [...].

ب) کمیته اجرایی

۱- کمیته اجرایی متشکل از نمایندگان (خودی) ادارات کل هشتم و نمایندگان زیتون خواهد بود. [...].

(ج) امور عملیاتی و استخدام

۱- استخدام منابع از کشورهای هدف از مقامات عالیه کشور هدف در رده‌های بالا صورت می‌گیرد. «از دیگر موارد خواندنی و جذاب طرح مزبور، بند «د» تحت عنوان «مراحل استخدام» منبع یا جاسوس از کشورهای اسلامی و عربی از سوی کمیته مشترک ساواک و سازمان اطلاعاتی اسرائیل است که به شرح ذیل تدوین شده است :

« ۱- اداره کل هشتم مشخصات و وضعیت اتباع کشورهای هدف مقیم جوین را با تشریح وضعیت هر یک از آنان در اختیار کمیته قرار می‌دهند.

۲- کمیته پس از دریافت مشخصات و اطلاعات موجود نسبت به شخص و یا اشخاص بررسیهای لازم را نسبت به او معمول و چنانچه شخص مورد نظر واجد کلیه شرایط لازم بخصوص با توجه به هدف‌های موجود باشد ترتیب تماس و مذاکره با وی در کمیته اجرایی اتخاذ و اقدام لازم برای استخدام او خواهد نمود.

۳- اداره دوم با همکاری زیتون شخص انتخاب و استخدام شده را طبق روش جاری به کشور هدف جهت شروع به کار اعزام خواهد داشت .

۴- زیتون در آغاز به کار کلیه اطلاعات عملیاتی و وسایل فنی عملیاتی مورد نیاز را که در کمیته ضرورت آن تشخیص داده شده است تحویل خواهد داد.

۵- بهره‌برداری از گزارشات (خبری - عملیاتی - کتبی یا شفاهی مأمورین یا به طور فیلم یا اخبار مأمور مجهز بیسیم و غیره) و از کلیه اطلاعات واصله به طور مساوی هر دو سرویس استفاده خواهند نمود ولی در هر صورت کلیه اقدامات عملیاتی و فنی در موارد مختلف من جمله ظهور و چاپ فیلم - فتوکپی اسناد و غیره وسیله جوین در مرکز انجام می‌شود و اصل مدارک در بایگانی جوین حفظ و نگهداری خواهد شد. ...»

موضوع جالب توجه دیگر، اسامی مراکز، نهادها، ادارات و مؤسساتی در کشورهای عربی و اسلامی است که در طرح کریستال یا بلور به عنوان «نقاط نفوذ» از آنها یاد شده است. برای نمونه در پیوست طرح کریستال یا بلور در این باره چنین آمده است :

نقاط نفوذی در عراق :

۱- دفتر ریاست جمهوری

۲- دفتر نخست وزیری

۳- وزارت دفاع ملی ادارات طرح و عملیات

۴- ستاد کل

- ۵- اداره عملیات ستاد کل
- ۶- اداره آموزش کل
- ۷- سازمان امنیت (قسمت مربوط به رسیدگی امور کشورهای همجوار و اقدامات اطلاعاتی در آنها)
- ۸- بخش سری و سیاسی وزارت کشور
- ۹- وزارت امور خارجه (قسمت های رسیدگی به امور خاورمیانه و کشورهای همجوار و دفتر محرمانه)

- ۱۰- رکن دوم ستاد ارتش
 - ۱۱- نیروهای زمینی به ویژه واحدهای زرهی
 - ۱۲- ستاد کل نیروهای دریایی (اداره عملیات)
 - ۱۳- ستاد کل نیروهای هوایی (اداره عملیات)
 - ۱۴- شهربانی کل و اداره اطلاعات
 - ۱۵- امور مربوط به مسائل نفتی
 - ۱۶- جبهه تحریر خوزستان
- نقاط نفوذی در مصر :

۱۴۲

- ۱- دفتر محرمانه مخصوص جمال عبدالناصر ریاست جمهور
 - ۲- دفتر انورالسادات (دفتری که با عملیات خرابکارانه در خارج همکاری می کنند).
 - ۳- ستاد کل
 - ۴- اداره عملیات ستاد کل
- نقاط نفوذی در سوریه :

- ۱- ادارات امنیتی - شهربانی - سازمان امنیت
 - ۲- ستاد کل ارتش
 - ۳- رکن دوم ستاد ارتش
 - ۴- اداره عملیات ستاد کل
 - ۵- وزارت خارجه اداره روابط کشورهای خارجی
- متن و فرم قرارداد به شکل «بکلی سری» تهیه و به هر دو سازمان اطلاعاتی ایران و اسرائیل جهت بررسی و امضا آن ارسال شد:

۱۱ سپتامبر ۱۹۶۶ [۱۳۴۵] بازگشت به ۴۰۳

به . سویز [ایران] - سالار [اداره کل دوم]

از . زیتون [اسرائیل] - جان

موضوع - عملیات کریستال

سازمان مربوطه به اینجانب اختیار داده است که از طرف آن سازمان قرارداد عملی که به پیوست نامه مورخه ۱۴ شماره ارسال گردیده بود بپذیرم .

به عقیده اینجانب قرارداد یاد شده اکنون معتبر و می توان عملیات را آغاز کرد.

رونوشت به - آقای کوشان [نماینده اسرائیل در ایران]

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که در یکی از گزارش های ساواک ، مربوط به هزینه طرح کریستال یا بلور ، از تاریخ اسفند ۱۳۴۶ تا مهر ۱۳۴۷ ، به حقوق ۴۶ نفر مأمور مشترک طرح اشاره شده است . براساس مفاد مندرج در طرح کریستال یا بلور کلیه هزینه های این طرح به طور مشترک و مساوی بر عهده ساواک و سازمان اطلاعاتی اسرائیل بود؛ لیکن اسرائیلی ها در مقاطع مختلف ، با ارائه ارقام جعلی و بعضاً تا چند برابر ، به طور آشکار از ساواک اخاذی می کردند . در بعضی گزارش ها ، کارشناسان و مدیران کل ساواک با اطلاع از این موضوع و خطاب به مقامات مافوق خود نسبت به این شیوه اقدام اسرائیلی ها ابراز نارضایتی کرده اند .

طرح کریستال هر از چند گاهی ، آن هم بنا به صلاحدید طرف اسرائیل دستخوش تغییرات و تحولاتی می شد و حتی فعالیت کمیته مشترک بعضاً برای دوره های چند ماهه تعطیل و سپس با پیشنهاد خود اسرائیلی ها ، مجدداً فعالیت آن از سر گرفته می شد . در این قبیل موارد ، ساواک معمولاً تابع مصلحت اندیشی و تاکتیک اسرائیلی ها بود . موضوع دیگر گستره استخدام جاسوس بود که از چارچوب شاخص های تعیین شده در قراردادهای اولیه طرح فراتر می رفت و حتی مسافران عرب ، دانشجویان عرب ، دیپلمات های عرب مقیم ایران ، مسافران ، بازرگانان عرب ، که برای مقطعی کوتاه در ایران مسافر بودند و نیز افراد و خانوارهای معمولی عرب را شامل می شد .

از جاسوسان و مأموران استخدام شده مورد نظر عمدتاً در کشورهای بهره برداری می شد که رژیم صهیونیستی نیازمند کسب اطلاعات از آن بود .

اسرائیلی ها از طریق طرح کریستال با نشان کردن ، جذب و استخدام دانشجویان عرب ، از آنها به عنوان مأموران نفوذی در داخل نهضت ها و گروه های مبارز بیشترین بهره برداری را می کردند و از این طریق نه فقط مبارزان ضد اسرائیلی را در میان اعراب شناسایی که به اطلاعات ذیقیمتی از طریق این منابع دسترسی پیدا می کردند . از سوی دیگر ، عمده افرادی که به عنوان منبع یا جاسوس جذب و استخدام می شدند ، در ابتدا اسرائیلی ها آنها را نشان و معرفی می کردند . این بدان معنی بود که اسرائیلی ها در این مرحله نیز حرف اصلی را می زدند و به بیان دیگر نقش کلیدی دست آنها بود .

از سوی دیگر، اگرچه در طرح کریستال یا بلور تصریح و تائید شده بود که منابع و جاسوسان مورد نظر از اتباع کشورهای عربی انتخاب شوند؛ اما اسرائیلی‌ها در این باره نیز بنا به تشخیص و مصلحت خود و لو بر خلاف مفاد طرح مزبور عمل می‌کردند. نمونه بارز در این زمینه معرفی و نشان کردن یک نفر تبعه هندی مقیم ایران به نام «نارش ماتور» از سوی مأموران دستگاه اطلاعاتی اسرائیلی در تهران بود که اداره کل دوم ساواک در گزارشی در این خصوص خطاب به اداره کل هشتم نوشته است:

پیشنهاد سرویس اسرائیل

پیرو شماره ۲۴۳/۵۸۰۳۵ - ۳۵/۷/۳ - [۱۳۵۵]

بدینوسیله مشخصات یک نفر نشان شده توسط عملیات دوستان زیتون که در مسافرت اخیر خود در تهران نشان و معرفی نموده است به پیوست ایفاد می‌گردد. با توجه به اینکه رهبر عملیات مزبور اظهار نموده است که نامبرده برای همکاری آماده می‌باشد خواهشمند است دستور فرمایید چنانچه بهره برداری از نشان شده مورد نظر در هر یک از محل‌هایی که کار می‌کند جهت آن اداره کل مفید به نظر می‌رسد اقدام لازم معمول دارند.

مدیر کل اداره دوم - فرازیان

۱۴۴

نام کامل: نارش ماتور NARESH - MATUR

متولد: دهلی، سی ساله، مجرد، ملیت: هندی

ساعات کار و شماره‌های تلفن:

الف) هتل ویکتوریا بین ۱۵ تا ۲۳ - شماره تلفن ۵۶ - ۸۹۰۰۵۱

ب) سفارت هندوستان بین ۸ تا ۱۴ - شماره تلفن ۸۹۸۸۱۴

ج) منزل (تهران - آدرس کامل وی معلوم نیست) [تلفن] ۷۶۲۱۵۱

زبان‌هایی که می‌داند: انگلیسی بسیار سلیس، فارسی و اردو...

چند نمونه دیگر نشان شده از سوی اسرائیلی‌ها، یک نفر عراقی اهل تکریت و یک نفر لبنانی است که گزارش ساواک در این باره چنین می‌گوید:

«احتراماً به استحضار می‌رساند:

۱- آقای عبدالرزاق رئوف صالح تکریتی تبعه عراق شغل تعمیرکار ماشین تحریر در پایگاه الرشید از

سال ۱۹۶۴ [۱۳۴۳] توسط سرویس دوستان زیتون استخدام، و آغاز به یک سلسله

همکاری‌هایی با دستگاه مزبور نموده است و در مورخه ۱۳۴۷/۱/۱۷ آقای کوشان نماینده

سرویس زیتون نامبرده را برای استفاده در طرح کریستال به صورت مشترک معرفی و در نتیجه

مسافرتی به کشور شاهنشاهی انجام و ضمن آن افرادی را برای همکاری معرفی نموده است.

نمایند، لذا در مواردی که چنین مشکلی احساس شود، در عملیات مشترک دوستان زیتون با توجه به اینکه برخی از آنان عربی خوب تکلم می کنند با پوشش ایرانی در تماس ها و ملاقات ها برای همکاریهای مشترک و بهره برداری های اطلاعاتی حضور خواهند یافت. این امر در حال حاضر در برخی عملیات مشترک که ایجاب می نماید رهبران عملیات در ملاقات ها با پوشش ایرانی ... شرکت کنند به مورد اجرا گذارده می شود.»

شگرد پیچیده و مرموز دیگر اسرائیلی ها در اجرای طرح کریستال، این گونه بود که آنها افرادی را که نشان و استخدام می کردند، تماماً در مسیر اهداف و برنامه های اسرائیل بود و منافع ساواک و ایران را اصلاً مد نظر قرار نمی دادند، به علاوه اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل در طرح کریستال یا بلور، مأموران و جاسوسان استخدام شده را به گونه ای هدایت می کردند که عمدتاً از سوی سرویس اسرائیل تخلیه اطلاعاتی می شدند و این عده جز در موارد معدود و استثنایی، اخبار و اطلاعات قابل توجهی در اختیار مأموران ساواک قرار نمی دادند و یا اطلاعاتی که برای ساواک مفید و قابل توجه بود تهیه و جمع آوری نمی کردند. این واقعیت ها در لابلای گزارش های مدیران ساواک به طرز شگفت انگیزی جلب توجه می کند. در گزارش زیر که ظاهراً در سال ۱۳۴۹ تهیه شده، به وضعیت و موقعیت تعدادی از مأموران عرب که در طرح کریستال جذب و استخدام شده اند، اشاره دارد که در بخشی از آن چنین آمده است:

«... سهیل ابوزینه توسط سرویس زیتون [اسرائیل] معرفی شده است، یک «خبر فروش» حرفه ای است که اخباری از سوریه و لبنان جمع آوری و به طریقه میکرو دات و با استفاده از آدرس واسطه ارسال می دارد. در حالی که نامبرده از نظر اهداف دوستان، مورد توجه آنهاست ولی از نظر ساواک با توجه به هدف های مورد نظر عنصری مفید نمی باشد ...»

هشت نفر دیگر نیز توسط دوستان زیتون برای خدمت در این طرح معرفی شده بودند که هیچ یک عملاً کار خود را آغاز نکردند.»

نشان شده ها در طرح کریستال

- عمده افرادی که در چارچوب طرح کریستال نشان و سپس جذب و استخدام می شدند:
- ۱- اکثراً عراقی های مقیم ایران و تعدادی نیز مقیم عراق و برخی نیز مقیم دیگر کشورهای عربی مثل سوریه، مصر، لبنان، اردن، کویت، ترکیه و ... بودند.
 - ۲- بخش قابل توجهی از این منابع و جاسوسان، مشاغل نظامی داشتند، مثل افسران و درجه داران و کادرهای نسبتاً رده بالای ارتش در نیروهای هوایی، زمینی و دریایی. شماری نیز نظامیان اخراجی یا بازنشسته بودند.

گذاشته نمی شود و سعی می گردد در پوشش دوستان زیتون با آنان ملاقات و استفاده های لازم معمول گردد، علیهذا پیشنهاد می شود شماره تلفنی در اختیار هر یک از مأمورین گذاشته شود تا به محض ورود و پیش از اینکه دوستان زیتون با آنان ملاقات نمایند، ورود خود را اعلام تا اقدامات لازم صورت پذیرد. چه در غیر این صورت ممکن است قبلاً دوستان زیتون آنان را در مسیر هدفهای مورد نظر خود هدایت و دلالت نمایند.

پ) چون توجیه نامه های لازم جهت هر یک از عوامل طرح کریستال از طرف دوستان تهیه و موافقت نامه هایی چه از نظر مالی و عملیاتی بدون جلب نظر ساواک می نمایند. علیهذا اجازه فرمایند به نامردگان تذکر داده شود که پیش از اقدام به تهیه توجیه نامه ها و هرگونه موافقتی مراتب را در میان بگذارند تا پس از موافقت با خواسته های آنان در مورد تهیه توجیه نامه اقدام نمایند.

اداره برون مرزی

رفیع زاده»

نکته قابل تامل دیگر در طرح کریستال، عدم تمایل بعضی مأموران و جاسوسان نشان شده عراقی برای همکاری با سرویس اطلاعاتی اسرائیل و یا اعضای منتسب به این سرویس بود که در چنین مواردی، ساواک به عنوان پوشش عمل می کرد؛ یعنی اعضای سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی با هویت و مدارک ایرانی و تحت نام و عنوان ساواک ایران با مأموران و منابع نشان شده ارتباط برقرار می کردند.

گزیده یکی از گزارش های اداره کل دوم ساواک، مورخ ۴۸/۴/۷، خطاب به مافوق در این باره چنین است:

«با آمدن سرلشگر عبدالغنی الراوی و عبدالرزاق نائف و سایر شخصیت های عراقی به ایران برای تشکیل حکومت عراق آزاد و استقرار در منطقه شمال عراق به منظور شروع فعالیت های مورد نظر خواه ناخواه ارتباطاتی مابین این شخصیت ها و عناصر مخالف حکومت فعلی در عراق به طور پنهانی برقرار خواهد شد ...»

ضمناً با عطف توجه به اینکه به فرموده مقررات عملیات فوق از نظر امکانات مادی و معنوی دوستان زیتون با همکاری مشترک آنان مانند عملیات فعلی بارزانی در شمال انجام گردد؛ لذا دوستان زیتون [اسرائیلی ها] پیشنهاد می نمایند که طرح ریزی همکاری مشترک برای بهره برداری اطلاعاتی از این عناصر از هم اکنون مورد مطالعه و اقدام قرار گیرد.

نظریه و پیشنهاد:

... با عطف توجه به اینکه به علت تعصبات مذهبی و افکار ناسیونالیستی طبعاً تعدادی از این عناصر تمایلی نخواهند داشت که به هر نحوی باشد با مقامات و اتباع زیتون [اسرائیل] همکاری

نتیجه کار این شخص خوب بوده و کار رابط نامبرده در دست اقدام است .

۲- در اوایل بهمن ماه ۱۳۴۶ یکی از اتباع دولت لبنان به نام فؤاد شغل بازرگان شخصاً به سفارت زیتون در تهران مراجعه و آمادگی خود را جهت همکاری های اطلاعاتی اعلام می دارد. نامبرده در مورخ ۴۶/۱۱/۲۱ از طرف دوستان زیتون برای استفاده در طرح کریستال معرفی و پس از انجام مذاکرات و آموزش های مقدماتی در تهران مشارالیه برای نشان کردن و آماده گری و استخدام افراد واجد شرایط به کشورهای مصر، سوریه و لبنان اعزام گردید. شخص مورد نظر در تاریخ ۴۷/۲/۴ به تهران مراجعت و یک نفر سرگرد مصری به نام سرگرد نحله شوهر خواهر خود را معرفی ... و اخیراً نیز شخصی را در یکی از شیخ نشینهای خلیج فارس معرفی و برای مذاکرات بدان صوب عزیمت اما تا کنون مراجعت ننموده است .

۳- اخیراً آقای کوشان، حسین ابوالحسن حاجی حسین را که از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۶ [۱۳۴۲ تا ۱۳۴۵ ش] در دانشگاه مصری اسکندریه در مصر دانشجو بوده و از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ [۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ ش] در کاخ امیر کویت خدمت می کرده معرفی کرده است .

۴- در تیرماه سال ۱۳۴۵ نماینده سرویس دوستان [اسرائیل] در مرکز شخصی را به نام آلبرت دانوسر مترجم رئیس ستاد و وزارت دفاع عراق را که از مدت ها پیش با سرویس مزبور همکاری داشته به عنوان مأمور مشترک در طرح کریستال معرفی نموده اند که از بدو همکاری تا کنون نسبت به ارسال اطلاعات بسیار ارزنده و عالی و مفید نظامی و سیاسی و اقتصادی اقدام نموده است .

۵- ضمناً سرویس مذکور اشخاصی را جهت همکاری در طرح کریستال معرفی [... کرده است.] « موضوع قابل توجه در این میان، نوع شگردهای اطلاعاتی اسراییلی ها در نشان کردن، جذب، استخدام و حتی کنترل، هدایت و بهره برداری از مزدوران اطلاعاتی بود. اسراییلی ها در این ارتباط به گونه ای عمل می کردند که ساواک صرفاً پوشش و آلت دست و عامل آنها در این طرح بود.

این موضوع را خود مدیران و کارشناسان ساواک نیز به خوبی دریافته بودند. پیشنهاد یکی از ادارات برون مرزی ساواک در بخش پایانی یک گزارش به وضوح به این مطلب اشاره دارد: «پیشنهادات :

الف) در هنگام حضور این قبیل افراد در مرکز شخصی که به زبان عربی آشنایی کامل داشته و به امور عملیاتی نیز وارد باشد[... پیشنهاد می گردد یک نفر کارمند که به زبان عربی و احیاناً انگلیسی آشنا و به امور عملیاتی نیز وارد باشد در اختیار این اداره قرار گیرد تا در مواقع لزوم بتوان از وجود مشارالیه استفاده لازم معمول گردد.

ب) در هنگام ورود مأمورین طرح کریستال به تهران چون از طرف ساواک آدرسی در اختیار آنان

۳- شماری از مأموران و جاسوسان جذب شده عراقی طرح کریستال وابسته‌های نظامی عراق در دیگر کشورها، و برخی نیز دارای مشاغل مهم و حساسی در وزارت امور خارجه و حتی منشی مقامات بلندپایه، مثل وزیر امور خارجه آن کشور بودند.

۴- منابع و مأموران دیگر جذب شده در چارچوب طرح کریستال از اتباع دیگر کشورها، از هند تا مصر، سوریه، کویت، لبنان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و... بودند.

۵- بعضی از بازرگانان و نیز دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی مستقر در تهران از دیگر طعمه‌هایی بودند که از سوی اسرائیل تحت پوشش طرح کریستال یا بلور نشان می‌شدند که البته، جذب این گروه برخلاف مفاد مندرج در طرح کریستال بود.

۶- بیشترین سهم در میان مأموران و جاسوسان طرح کریستال از میان دانشجویان عرب بود که شکار و قربانی نیروهای اطلاعاتی کمیته مشترک طرح مزبور، به خصوص اسرائیلی‌ها می‌شدند.

این دانشجویان دو دسته بودند. بیشتر آنها مقیم ایران بودند و در دانشگاه‌های داخل کشور درس می‌خواندند. تعداد دیگری نیز دانشجویان عرب مقیم دیگر کشورها؛ از پاکستان و لبنان و مصر گرفته تا ممالک اروپایی بودند. از آنجا که دانشجویان به لحاظ مالی و معیشتی در مضیقه بودند، کمیته مشترک طرح کریستال آنها را طعمه مناسبی برای به دام انداختن ارزیابی کرده بود. یادآوری این نکته ضروری است، اگر چه بیشتر این دانشجویان عراقی بودند اما در میان منابع نشان شده، دانشجویانی از اردن، فلسطین و... نیز وجود داشتند.

ساواک با پرداخت وام تحصیلی به این قبیل دانشجویان، آنها را تطمیع می‌کرد و به دام می‌انداخت. سند اداره کل دوم ساواک در این باره خواندنی است:

«پرداخت وام تحصیلی به دانشجویان عراقی»

بازگشت به ۱۳۰۱۰۱/۸۲۶ - ۴۹/۴/۲۱.

با اعلام اینکه این اداره کل در موعد مقرر در کمیسیون مورد نظر شرکت خواهد نمود علیهذا خواهشمند است دستور فرمایید اسامی ۵۷ نفر دانشجویان عراقی مزبور و در صورت امکان دسترسی بستگان، دوستان و آشنایان افراد نامبرده را به منظور بررسی روی طرح کریستال به این اداره کل اعلام فرمایند.

اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای اینکه هم از فعالیت فلسطینی‌ها علیه رژیم صهیونیستی جلوگیری به عمل آورند و هم آنها را به گونه‌ای به دام بیندازند، توجه مخصوص به دانشجویان فلسطینی مقیم ایران داشتند. این دانشجویان که در دانشگاه‌های تهران مشغول تحصیل بودند، از نظر اسرائیلی‌ها طعمه مناسب و مطلوب ارزیابی شده بودند.

در یکی از اسناد اداره برون مرزی اداره کل دوم ساواک در این باره چنین آمده است :
«در تاریخ ۱۸ اکتبر سال ۱۹۷۱ (۱۳۵۰/۷/۲۶) دوستان زیتون طی نامه‌ای به شماره ۴۰۲ که به اداره کل هشتم ارسال داشته [...] اعلام داشته اند که به ما (دوستان زیتون) [اسرائیلی‌ها] اطلاع رسیده که تعدادی فلسطینی بخصوص دانشجو در ایران مشغول کار یا تحصیل می باشند و اضافه نموده که ما فکر می کنیم این فلسطینی‌ها ممکن است مستعد برای بهره‌برداری از جانب سازمان‌های خرابکاری علیه شما و ما (دوستان زیتون) [اسرائیلی‌ها] باشند و پاره‌ای از آنها دارای گذرنامه اردنی هستند. در حالی که در حقیقت فلسطینی بوده و پرونده‌های این اشخاص نزد شما و ما این مسئله را روشن می کند و به پیوست نامه صورت اسامی چند نفر از فلسطینی‌ها را ذکر نموده اند [...]». پس از وصول نام فوق الذکر به اداره کل هشتم اعلام گردید، با توجه به نامه دوستان زیتون [...] در تاریخ ۵۰/۱۰/۲ اداره کل هشتم طی لیستی صورت اسامی ۲۸ نفر از دانشجویان اردنی مقیم ایران را با مشخصاتی که از آنها موجود بوده ارسال [کرد].»
در گزارش دیگری از ساواک که (سال ۱۳۵۰) در آن وضعیت دانشجویان اردنی مقیم ایران مورد بررسی قرار گرفته، چنین نتیجه گیری شده است.

۱۴۹

«با بررسی‌هایی که در مورد دانشجویان اردنی دانشگاه تهران نموده‌ام معتقدم می توان این دانشجویان را به دو دسته تقسیم کرد:
الف) دسته اول دانشجویان اردنی که فلسطینی الاصل می باشند و طرفدار جبهه‌های مقاومت فلسطین هستند...»

ب) دسته دوم دانشجویان اردنی طرفدار ملک حسین می باشند که بیشتر این دانشجویان از فرزندان هیئت حاکم اردن هستند ...»

به هر روی، اگر چه در چارچوب طرح بلور یا کریستال، ابتدا به نشان کردن و استخدام دانشجویان عراقی تصریح و تأکید شده بود، اما اسرائیلی‌ها به تدریج مطابق معمول خود این حوزه را بسط و گسترش دادند. مقامات ساواک نیز چون دیگر موارد همواره در برابر پیشنهادها و طرح‌های دستگاه اطلاعاتی اسرائیل تسلیم بودند و در این باره کمترین سؤال یا اعتراضی ابراز نمی کردند.

در خصوص نشان کردن و استخدام ماء‌مور و منبع از میان دیپلمات‌ها و نمایندگی‌های سیاسی مقیم تهران نیز، اسرائیلی‌ها بدون توجه به مفاد مندرج در پروتکل همکاری در طرح کریستال، پیوسته سعی در پیشبرد امیال و نقشه‌های خود داشتند؛ در این مسیر آنها نه تنها حتی به منافع دولت ایران و ساواک نیز کمترین اعتنایی نمی کردند، بلکه برخلاف مصلحت سیاسی و دیپلماسی رژیم شاهنشاهی نیز اقدام می کردند و این نشان از ماهیت طرح کریستال داشت.

نمونه آشکار در این باره، پیشنهاد اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای جذب و استخدام یکی از دیپلمات‌های سفارت سوریه در تهران بود که در این زمینه به طور جدی اصرار و پافشاری می‌کردند. شخص مزبور از خویشاوندان حافظ اسد رئیس جمهور سوریه و مستشار سفارت آن کشور در تهران بود که نشان کردن و استخدام او برخلاف مفاد طرح کریستال مبنی بر عدم جذب و استخدام دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی مقیم تهران بود. رئیس سرویس اطلاعاتی اسرائیل برای عملی کردن این نقشه شخصاً با رئیس ساواک ملاقات و گفت و گو کرد. نامه مشترک اداره کل دوم و هشتم ساواک خطاب به رئیس ساواک، سند قابل توجه و خواندنی در این زمینه است:

«... در موقع مسافرت رئیس سرویس اسرائیل به تهران در ملاقاتی که با تیمسار ریاست ساواک به عمل آورد، عنوان نمود که در انجام عملیات پنهانی و شنود در مورد سفارتخانه‌های کشورهای هدف در طرح کریستال مشترکاً اقدام شود که مدیر کل اداره هشتم به عرض رساندند که در طرح عملیات مشترک ساواک و دوستان زیتون برای استخدام منابع در رده بالای کشورهای هدف (طرح کریستال) استفاده از کارمندان نمایندگی‌های سیاسی و محلی تبعه کشورهای هدف منع گردیده است... در بند ۳ این طرح در مورد استخدام منابع موافقت گردیده که از کارمندان نمایندگی‌های سیاسی و کارمندان محلی تبعه کشورهای هدف استفاده نشود... دوستان زیتون [اسرائیل] علاقمند به استفاده از وجود وفیق اسماعیل در چهارچوب طرح کریستال می‌باشند... استفاده از وجود وفیق اسماعیل که در کادر سیاسی کشور هدف خدمت می‌نماید، مخالف موافقنامه طرح مشترک کریستال است... با توجه به حساسیت دول عربی به روابط فیما بین دولت شاهنشاهی و اسرائیل در صورت به وجود آمدن یک درگیری سیاسی، کشورهای عربی مترصد این گونه دست‌آویزها هستند جنجال سیاسی برپا و استفاده تبلیغاتی خواهند برد و دوستان زیتون [اسرائیل] که برای رسیدن به اهداف خود از دست زدن به هر اقدامی ابایی ندارند از این بابت زبانی متوجه آنان نخواهد شد و در این میان زیان‌های حاصله متوجه دولت شاهنشاهی ایران خواهد گردید.»

مهمتر از نظرهای اداره کل دوم و هشتم ساواک، دیدگاه نصیری رئیس ساواک به این موضوع و نیز آگاهی کامل او به شگرد و ترفند اسرائیلی‌ها در این باره است. به طوری که در بخشی از پاسخ او به مدیران کل مورد اشاره چنین آمده است:

«... زیتون [اسرائیل] به فاش شدن این عملیات اهمیت نمی‌دهد، زیرا در حال جنگ است ولی ما علاقه به روابط دوستانه داریم...»

به نام ایران به کام اسرائیل

در مجموع، ارزیابی کارشناسان و مدیران سطح بالای ساواک درباره طرح کریستال به تدریج به آنجا رسیده بود که طرف اسرائیلی در نشان کردن و در نهایت هدایت و بهره برداری از منابع و مأموران استخدام شده، کاملاً طبق برنامه و اهداف از پیش تعیین شده خود، به طور یک طرفه اقدام می‌کند و از سویی دیگر، حاصل گزارش و اطلاعات جمع آوری شده از سوی این مأموران چندان منفعتی برای ساواک ندارد. زیرا با ترفند و شگردی که اعضای سرویس اطلاعات اسرائیل به کار می‌زدند، اکثر آنها گزارش اصلی را بدون اطلاع ساواک، ابتدا به اسرائیلی‌ها می‌دادند و به علاوه، آنها معمولاً گزارش‌ها، اخبار و اطلاعاتی را جمع آوری و تهیه می‌کردند که طرف اسرائیلی توجیه و هدایت کرده بود. لذا حاصل فعالیت آنها بیشتر برای اسرائیلی‌ها کاربرد داشت.

از دیگر مزایا و محاسن طرح کریستال برای اسرائیل، بهره برداری همه جانبه و چند سویه از جغرافیای ایران برای همه گونه فعالیت اطلاعاتی و جاسوسی از جمله فرستادن نشان شده‌ها به عنوان مسافر از کشورهای عربی و اسلامی به ایران. به عنوان نقطه و مکان امن و به زبان خود آنها «پایگاه امن» بود. از آنجا که اگر اسرائیلی‌ها این نشان شده‌ها را به عنوان مسافر به فلسطین اشغالی می‌فرستادند، به دلیل مهر شدن گذرنامه‌ها و پاسپورت مسافری عرب، برای آنها در آتیه مشکلات امنیتی در کشور متبوع شان به وجود می‌آمد و اگر در کشورهای اسلامی و عربی با آنها ارتباط برقرار می‌کردند، تداوم این کار از جنبه اطلاعاتی و امنیتی در بلندمدت نه به نفع نشان شده‌ها از اتباع آن کشورها بود و نه به نفع اعضای سرویس اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل؛ زیرا لو رفتن هر یک از آنها متصور بود. لذا از این زاویه، ایران جغرافیای امن برای اسرائیلی‌ها بود تا در قالب طرح کریستال، از پوشش ساواک نیز با شگردها و ترفندهای خاص خود بهره برداری و هم اهداف و امیال جاسوسی خود در کشورهای اسلامی و عربی را از داخل خاک ایران هدایت و کنترل کنند.

یکی از اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل با نام ملکی (که احتمالاً نام پوشش و اطلاعاتی او بود) به ایران اعزام و مسئولیت نشان کردن و جذب منبع و جاسوس از میان عرب‌های میهمان یا مقیم ایران، تحت پوشش طرح کریستال به او واگذار شده بود. این اسرائیلی که به زبان عربی نیز تسلط داشت از طریق اوراق هویت و کارت جعلی ایرانی که ساواک برای او تهیه کرده بود به راحتی مطامع رژیم صهیونیستی را در ایران دنبال می‌کرد و ساواک نیز با همه گونه امکانات از وی حمایت و پشتیبانی به عمل می‌آورد.

در اولین جلسه‌ای که ملکی در کمیته مشترک طرح کریستال در روز ۴۶/۳/۲ شرکت کرده

بود، مدیران کل ساواک از حضور او به گرمی استقبال کردند. هاشمی مدیر کل اداره هشتم ساواک درباره او چنین می گوید:

«... به علت نبودن رهبر عملیات عرب زبان کار رکود پیدا کرده بود ولی حالا با آمدن آقای ملکی و کمک ادارات هشتم و دوم امیدوارم که این کار به نتیجه ای که در نظر می باشد برسد... ما می توانیم روزانه لیست و مشخصات اتباع کشور هدف را که وارد کشور می شوند چه از طریق هوایی و چه از طریق زمینی و همچنین لیست مسافرین هتل ها و مسافرخانه ها را تهیه ... و همچنین لیست مقیمین اتباع کشورهای هدف که در اداره کل هشتم موجود است بهترین کمک برای شروع کار کمیته خواهد بود. مثلاً ما شخصی را می شناسیم که صاحب یک میلیون تومان ثروت است و پنجاه سال است که در ایران سکونت دارد ولی فرزندان او و اقوامش در وزارت خانه ها و ارتش عراق خدمت می کنند و می تواند عامل خوبی برای کار کمیته باشد... از شما [خطاب به ملکی اسرائیلی] عمل کردن و از ادارات کل دوم و هشتم هم کمک کردن. فرازبان [مدیر کل اداره دوم ساواک]: باید پوشش آقای ملکی کامل باشد که شناخته نگردد. هاشمی [مدیر کل اداره هشتم ساواک]: از نظر هتل که پوشش ثابت است و از نظر عملیات باید پوشش بخصوص تهیه نماید. مثلاً ما قادر هستیم که از سازمان جلب سیاحان کاری برای او تهیه کنیم که به عنوان این سازمان بتواند با اشخاص مورد نظر آشنا شود.»

۱۵۲

به این ترتیب، ملکی جاسوس کارکشته سرویس اطلاعاتی اسرائیل با پوشش، اوراق هویت و امکانات و پشتیبانی ساواک، و تحت عنوان نشان کننده طرح کریستال، بی هیچ مانعی اهداف و مطامع اسرائیل را در سرزمین ایران تعقیب و دنبال می کرد.

او در حین انجام مأموریت های محوله در چارچوب طرح کریستال اطلاعات مورد نیاز خود و سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را نیز از ساواک و مأموران آن دریافت می کرد. برای نمونه وی در روز سه شنبه ۱۳۴۶/۳/۲۳ طی ملاقات با یکی از نمایندگان ساواک در طرح کریستال، خواسته ها متفرقه ای را مطرح می کند. نماینده ساواک در گزارش خود در این باره به مافوق نوشته است:

«در حین قدم زدن از باغ شمیران به سوی هتل کاروان، آقای ملکی اظهار نمود: اگر سوابقی که در مورد قاچاقچیان که یهودیان عراقی را از بصره به ایران می آوردند، وجود داشته باشد، در اختیار وی گذاشته شود تا با بررسی سوابق مزبور بتوان نسبت به نشان کردن آنها و برقراری تماس اقدام شود. همچنین آقای ملکی اظهار داشت در مورد تحقیق از ورود اتباع دولت های عربی به ایران به غیر از فرودگاه ها و هتل ها و وزارت خارجه و سایر مراجع رسمی از طریق سرویس های حمل و نقل مسافر از قبیل شرکت تی. بی. تی نیز باید تحقیق به عمل آید...»

سپس آقای ملکی در مورد نشان کردن قاچاقچیان که بین ایران و عراق فعالیت دارند و همچنین ایجاد رابطه با اعضای جمعیت اخوان المسلمین در ایران پیشنهاداتی نمود ...»
یادآوری این مهم ضروری است که اکثر اعضای اعزامی سرویس اطلاعاتی اسرائیل به ایران، از جاسوسان کارکشته و با تجربه رژیم صهیونیستی بودند که سالها سابقه فعالیت های جاسوسی و اطلاعاتی در کشورهای عربی و اسلامی داشتند.

مباحث مندرج در بعضی گزارش های ساواک حاکی از آن است که ملکی نیز از جمله این جاسوسان با سابقه در دستگاه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بود که برای ادامه مأموریت به ایران اعزام شده بود. از نمونه های جالب توجه در این خصوص، ارائه اطلاعات تکمیلی از سوی ملکی درباره یکی از عرب های نشان و معرفی شده مقیم تهران بود. این در حالی بود که هنوز چند صباحی از ورود ملکی اسرائیلی به ایران سپری نشده بود. گزیده گزارش یکی از مقامات ساواک خطاب به مافوق در این باره جالب توجه و خواندنی است:

«محترماً به عرض می رساند در ملاقات مورخه ۴۶/۳/۳۰ با آقای ملکی نماینده اعزامی دوستان [اسرائیل] مشخصات و سوابق در حدود ۱۰ ده [ده] نفر از اتباع دولت های عربی مقیم ایران و از جمله صلاح الصاوی مورد بررسی قرار گرفت. آقای ملکی ضمن اظهار نظر در مورد افراد مزبور مبنی بر اینکه نشان کردن و استخدام آنها نفعی برای اسرائیل در بر نخواهد داشت درباره رمضان صلاح الصاوی که به موجب برخی گزارشات نام اصلی وی احمد رمضان می باشد اظهار داشت:

اصولاً داستان خروج وی از کشور مصر و ورود مشارالیه به تهران ساختنی به نظر می رسد. مضافاً بر اینکه اگر این شخص همان احمد رمضان باشد بدون شک از عناصر خطرناک اطلاعاتی مصر می باشد، زیرا طبق سوابقی که من [ملکی] در ذهن دارم دو نفر را در کشور مصر به این نام می شناسم که مشخصات آنها بدین شرح می باشد:

۱- احمد رمضان کارمند اداره پلیس مبارزه با مواد مخدر که در عین حال برای سرویس اطلاعاتی مصر کار می کند.

۲- احمد رمضان کارمند سرویس اطلاعات محرمانه مصر که زیر نظر یوسف القفاص کار می کند و منزلش در قاهره، عین الشمس، محله زیتون می باشد [...] آقای ملکی توضیح داد چنانچه این شخص به نحو غیر محسوس به من نشان داده شود می توان تشخیص دهم که آیا وی همان احمد رمضان مورد نظر می باشد یا نه و [...]»

در هر صورت، اگر چه ملکی با استفاده از این امکانات سفارش های دستگاه اطلاعاتی اسرائیل را در ایران تعقیب می کرد، اما به دلیل موقعیت و مسئولیت این عضو دستگاه اطلاعاتی

اسرائیل در کمیته مشترک طرح کریستال، نمایندگان و مدیران کل هشتم و دوم ساواک از هیچ گونه همکاری و پشتیبانی از نامبرده دریغ نداشتند. در بخشی از گزارش جلسه مورخه ۴۶/۴/۱۴ کمیته مشترک کریستال، متشکل از موسی رز نماینده دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و خلیل ملکی نماینده جدید (نشان کننده) اعزامی از اسرائیل و تعدادی از نمایندگان ادارات دوم و هشتم ساواک چنین آمده است:

«... بیوگرافی مقیمین [عرب های مقیم ایران] آماده شد و تعدادی اسامی در اختیار آقای ملکی قرار گرفت.

... به وزارت امور خارجه اعلام گردید که در مورد صدور روادید برای اتباع کشورهای هدف (در طرح مشترک) ساواک را در جریان بگذارد [تا خلیل ملکی اسرائیلی در جریان قرار گیرد].

... ترتیبی داده شد که روزانه کلیه هتل ها و مسافرخانه ها و بنگاه های مسافربری چک و لیست افراد مورد نظر روزانه در اختیار آقای ملکی گذارده می شود.»

بهره برداری یک سویه

۱۵۴

بهره برداری یک سویه از روابط و همکاری های اطلاعاتی از سوی اسرائیل فقط در چارچوب طرح کریستال نبود، بلکه اسرائیلی ها چنین ترفند و شگردی را در همه زمینه ها تعمیم می دادند. نمایندگی ساواک مستقر در فلسطین اشغالی در گزارش های ارسالی متعدد به مرکز این موضوع را یادآوری کرده است. برخی گزارش های ارسالی به طور تلویحی حکایت از آن دارد که روش و برخورد اسرائیلی ها با مقامات و مدیران و نمایندگان ساواک در این باره همواره مرموزانه، غیرصادقانه و تواءم با تحقیر طرف مقابل بوده است. مطالب ذیل گزیده گزارش نمایندگی ساواک مستقر در فلسطین اشغالی است که به عنوان نمونه ذکر می شود:

«نمایندگی متوجه گردید [...] اخباری که به نمایندگی می دهند اکثراً در دو روزنامه مهم کشور، (معارب و هارتص) منتشر گردیده است و چون مدتی است که کلیه اخبار منتشره توسط «نشاط» ترجمه و ارائه می گردد، لذا نمایندگی متوجه شد، چنانچه این رویه ادامه پیدا نماید از جلسات مزبور نتیجه حاصل نخواهد گردید.»^(۳۱)

«... در امر تبادل اطلاعات بین دو سرویس «بلوط [اسرائیل] و سیکلمه [ایران]» اطلاعیه های ارسالی دوستان بلوط تمام از منابع آشکار بوده و همین اخبار آشکار نیز به موقع اطلاع داده نمی شود و بعضی مربوط به گذشته است و روی هم رفته کمتر خبر قابل اهمیتی وجود دارد. ... حال بدون آنکه نمایندگی قصد متهم نمودن دوستان بلوط را به عدم همکاری واقعی در تبادل اطلاعات داشته باشد [...]، نمی داند که آیا در توافق با دستگاه قرار است که فقط اخبار منابع

آشکار ارسال گردد؟» (۳۲)

مصالح ساواک قربانی مطامع اسرائیل

علی رغم تائید و تصریح در مفاد طرح کریستال مبنی بر عدم نشان کردن و استخدام دیپلمات‌ها و نمایندگان سیاسی کشورهای هدف مقیم و مستقر در تهران، و اصرار و پافشاری مدیران و مقامات ساواک در جهت رعایت این مقررات مورد توافق طرفین، باز هم اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل در ایران بدون توجه به این توافقنامه و بدون توجه به مصلحت سیاسی و منافع دیپلماتیک دولت شاهنشاهی ایران، به اقتضای منافع و مطامع خود عمل می‌کردند و مسئولان و مقامات ساواک نیز ضمن ابراز آگاهی و حتی مخالفت با این شگرد اسرائیلی‌ها، باز هم تسلیم خواست و اراده و تصمیم آنها می‌شدند و در نهایت آنچه اسرائیلی‌ها مصلحت می‌دانستند و تشخیص می‌دادند، همان اجرا می‌شد.

برای نمونه در این باره به موضوع نشان کردن و جذب یکی از دیپلمات‌های سوری مستقر در تهران، به نام «راسم رسلان» اشاره می‌شود که چگونه مدیران ساواک علی‌رغم اظهار مخالفت برای جذب او از سوی اسرائیلی‌ها و یادآوری بند سوم طرح کریستال، مبنی بر منع جذب دیپلمات‌ها، در نهایت تسلیم خواست و تصمیم اسرائیلی‌ها می‌شوند.

مطالعه گزارش جلسه مورخ ۱۳۴۶/۴/۱۹ کمیته مشترک کریستال یا (بلور) در این خصوص خالی از فایده نیست.

این جلسه با حضور کوشان و موشه (موسی) رز نمایندگان دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و ابراهیمی نماینده اداره کل هشتم ساواک در دفتر کار نماینده اطلاعاتی اسرائیل در تهران برگزار شد که گزیده آن به شرح ذیل است:

«کوشان: آقای ملکی [نشان‌کننده اسرائیلی طرح کریستال] معتقد است که از این شخص راسم رسلان [دیپلمات سوریه در تهران] می‌توان استفاده کرد.

ابراهیمی: این موضوع مخالف قرارداد و توافق قبلی است چون این شخص دیپلمات است. ... اداره کل هشتم پس از اینکه مطلع شد که آقای ملکی ... با احمد صفر [کارمند سفارت سوریه در تهران] تماس گرفته‌اند، به وسیله شعبانی به آقای ملکی توصیه شد که دیگر با وی تماس حاصل نکنند.

کوشان: آقای ملکی بنا به توصیه آقای شعبانی از ملاقات با راسم رسلان خودداری نموده است. ابراهیمی: خیر این موضوع صحیح نیست ...»

نکته بسیار شگفت‌انگیز این است که در همین جلسه پس از بحث و گفتگوی فراوان، سرانجام ابراهیمی نماینده اداره کل هشتم ساواک به تدریج تسلیم تصمیم و خواست اسرائیلی‌ها

می شود و از موضع خود و تاءکید بر اجرای مفاد طرح کریستال مبنی بر عدم جذب و استخدام دیپلمات ، از جمله دیپلمات و کارمند سفارت سوریه در تهران ، عقب نشینی می کند و نظر خود را این گونه تغییر می دهد:

«کوشان : عقیده شما در مورد تماس آقای ملکی با رسلان چیست ؟

ابراهیمی : چنانچه آقای ملکی تماس خود را با رسلان صلاح می داند از نظر ما بلامانع است ...

کوشان : شما هم موافقید که آقای ملکی با رسلان تماس بگیرد.

ابراهیمی : اشکالی ندارد ...

نتیجه : در خاتمه قرار شد که آقای ملکی به وسیله تلفن مستقیماً قرار ملاقاتی با رسلان در خارج از سفارت بگذارد.

سوء استفاده دیگر صهیونیست ها از پوشش طرح کریستال استخدام و بهره برداری از منابع و نیروهایی بود که با نام و امکانات طرح کریستال به کار گرفته می شدند اما در نهایت اسرائیلی ها با ترفند و توجیه مناسب خود ، مدیران ساواک را مجاب می کردند تا در این زمینه ، ضمن همکاری با دستگاه اطلاعاتی اسرائیل ، موافقت کنند تا آنها به طور یک سوویه آموزش و هدایت و بهره برداری از نشان شده را منحصرأدر دست و در اختیار داشته باشند . گزارش ساواک در این مورد نیز خواندنی است :

«در تاریخ ۴۹/۳/۲۳ نماینده سرویس زیتون [اسرائیل] طی گزارشی اعلام داشت که شخصی به نام سهیل احمد ابوزینه تبعه اردن با در دست داشتن گذرنامه معتبر اردنی به ایران وارد و ضمن تماس با سفارت زیتون در تهران داوطلب گردیده است که با سرویس زیتون همکاری نماید و نماینده سرویس زیتون درخواست کرد که از وجود این شخص در طرح کریستال استفاده مشترک به عمل آید .

اینک سرویس دوستان [اسرائیل] تقاضا دارد که چون لازم است نامبرده برای بهره کشی کامل و توجیه آموزش با لسه پاسه [گذرنامه] زیتونی به آن کشور [اسرائیل] اعزام شود برای صدور ویزای خروج جهت وی تسهیلات لازم از طریق ساواک فراهم گردد ...»

در مجموع ، از آنچه ذکر شد می توان چنین نتیجه گیری کرد که طرح کریستال یا بلور منافع فراوانی برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل به همراه داشت . این در حالی بود که ساواک با همه سرمایه گذاری ، هم به لحاظ اقتصادی و هم نیروی انسانی و نیز امکانات و پوششی که برای این طرح مهیا می کرد ، در مجموع چندان سودی نمی برد . زیرا یا اسرائیلی ها میان بر می زدند و از نشان شده ها بدون آگاهی و اطلاع و ورود ساواک ، به طور یکطرفه بهره برداری می کردند . و یا

اینکه منابع و نیروهای جذب شده عرب به سمتی هدایت و راهنمایی و یا آموزش داده می شدند که بیشتر خواست های اسرائیل را دنبال و در راستای فعالیت های آنها اخبار و اطلاعات جمع آوری کنند. در نتیجه این قبیل اطلاعات سود چندانی برای ایران و ساواک در بر نداشت.

پایگاه های برون مرزی اسرائیل در ایران

ایجاد پایگاه های جاسوسی در برخی مناطق ایران از جمله تلاش ها و تحرکات عمده اطلاعاتی اسرائیل در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی بود.

اسرائیلی ها از طریق این پایگاه که در مناطق مرزی جنوب و غرب کشور برپا شده بود، به جذب و استخدام مزدورهای اطلاعاتی و اعزام آنها به کشورهای عربی مبادرت می کردند. موضوع فعالیت جاسوسی این مأموران آموزش دیده در پایگاه های برون مرزی اسرائیل در ایران، برای پاره ای محافل و کشورهای اسلامی و عربی کاملاً آشکار شده بود و حتی در بعضی کشورها از جمله عراق، تعدادی از این جاسوسان، لو رفته و به سزای اعمال خیانتکارانه خود رسیدند.

۱۵۷

در یکی از گزارش های ساواک در سال ۱۳۴۷ در این باره چنین آمده است:

«دکتر شیدوش می گفت شنیده است یهودی هایی که اخیراً در عراق اعدام شده اند، گفته اند تعلیمات خود را برای جاسوسی علیه عراق و به نفع اسرائیل در مناطق جنوبی ایران دیده اند و از یهودی های ایران به آنها کمک می شده است.»^(۳۳)

گزارش دیگر ساواک در این باره اختصاص به مندرجات نشریه هفتگی عربی زبان «الاسبوع» دارد که در بخشی از آن آمده است:

«برابر اطلاع هفته نامه مذکور چاپ عمان [امان] تحت عنوان یک شبکه خرابکاری که مرکز آن در ایران است و به نفع صهیونیسم فعالیت می کند چنین می نویسد: اغلب سازمان های فدایی [فلسطینی] معتقدند که یک شبکه خرابکاری به نفع صهیونیسم در ایران وجود دارد که اعضای آن تبعه ایران و عده ای از یهودیان کشورهای عربی هستند و انتظار می رود که کمیته مرکزی مقاومت فلسطین یادداشت هایی در این خصوص به دول عربی بفرستد و از آنها بخواهد هر ایرانی و یا هر کس به زبان فارسی صحبت می کند و داخل کشورهای عربی می شود تحقیق نمایند تا به حقیقت هویت او پی ببرند ...»^(۳۴)

گزارش دیگر ساواک، ترجمه نوشته مندرج در نشریه «مدعی العمال» ارسالی از سوی سفارت ایران در بغداد است که گزیده آن به شرح ذیل است:

«شرکت صهیونیستی الفی در آبادان مرکز شبکه جاسوسی و خبرگیری صهیونیسم می باشد که از

آنجا با همه نمایندگان و مزدوران اسرائیل در منطقه خلیج ارتباط دارد ...»
 به هر روی، براساس اسناد موجود و به خصوص اعتراف فردوست، اسرائیل در ایران سه پایگاه برون مرزی برای استخدام جاسوس و اعزام آنها به کشورهای عربی و کسب اخبار و اطلاعات مورد نیاز و... ایجاد کرده بود:

«اسرائیل دارای ۳ پایگاه برون مرزی در ایران بود، که احتمالاً از سال ۱۳۳۷ این پایگاه‌ها ایجاد شده بود. این ۳ پایگاه در خوزستان (مرکز اهواز) در ایلام (مرکز ایلام) و در کردستان (مرکز بانه، میوان) و در مرکزی مستقر بود که ساواک هم در آن محل می باشد ...»
 هدف پایگاه‌های برون مرزی اسرائیل در ایران، عراق و کشورهای عربی بود و اکثر مأمورین را این ۳ پایگاه استخدام می کردند و پس از آموزش کامل مرحله بهره برداری شروع می شد. اکثر مأمورین پایگاه‌ها عراقی بودند، ولی پایگاه خوزستان موفق شد تعدادی مأمور کویتی و بحرینی و امیرنشین‌های امارات و حتی افرادی از عربستان سعودی را نیز استخدام و به کار گمارد، به طوری که از این ۳ پایگاه کلیه اطلاعات لازم از عراق و تا حدی از کویت و امارات و عربستان و سوریه جمع آوری می شد. البته منظور اسرائیلی‌ها در شروع کار، عراق بود ولی به تدریج امکانات به حدی زیاد شد که کشورهای فوق الذکر را نیز تحت پوشش قرار داد. یک نسخه از کلیه اطلاعات جمع آوری شده به اداره کل دوم ساواک تحویل می شد و یک نسخه نیز به سرعت به اسرائیل ارسال می گردید.

باید اضافه کنم که اداره کل دوم ساواک نیز حدود ۱۰ پایگاه برون مرزی برای کار در عراق و کشورهای عربی داشت، ولی نتیجه کار این ۳ پایگاه اسرائیلی حتی با مجموع کار آن ۱۰ پایگاه قابل مقایسه نبود. علت، عدم ورزیدگی و عدم تجربه کافی رهبران برون مرزی اداره کل دوم بود.» (۳۵)

البته اسرائیلی‌ها از اطلاعات جمع آوری شده از طریق ۱۰ پایگاه برون مرزی اداره کل دوم ساواک نیز برای اهداف خود بهره برداری می کردند. به نوشته فردوست:

«پایگاه‌های اسرائیلی تا حدود سال ۱۳۴۵ - ۱۳۴۶ در ایران به فعالیت خود ادامه دادند و سپس اعلام کردند که چون اطلاعاتمان کامل شد پایگاه‌ها را تعطیل و به اسرائیل منتقل می کنیم و شبکه‌های ساخته شده در ایران نیز مستقیماً از اسرائیل هدایت خواهد شد.

بدین ترتیب اسرائیلی‌ها ۳ پایگاه فوق را برچیدند و شبکه‌هایی که طی این سالها ایجاد شده بود (و حداقل ۳۰۰ سر مأمور و مأمور مستقل زبده داشت) را برای خود حفظ کرده و از طریق برون مرزی اسرائیل به تماس خود ادامه دادند. معهداً فعالیت سازمان اطلاعاتی اسرائیل در ایران ادامه یافت و نیمرودی به تماس با ساواک ادامه داد.» (۳۶)

پیمان ساواک با موساد

درباره تاریخ شروع فعالیت پایگاه‌های برون مرزی اسرائیل در ایران، اسناد ساواک چنین حکایت کرده‌اند:

«در سال ۱۳۴۱ همکاری مشترک دو سرویس ایران و اسرائیل در مسیر عملیات جمع‌آوری پنهانی مستقیم (برون مرزی) در مرزهای کشور شاهنشاهی شروع و نماینده‌ای از سرویس اسرائیل در جنوب [آبادان] مستقر [شد].»

اگر چه وجود پایگاه‌های مزبور بهره‌چندانی برای ساواک به دنبال نداشت، ولی هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و انسانی آن را رژیم پهلوی عهده‌دار بود. مع الوصف در اسناد ساواک به منظور سرپوش نهادن بر این واقعیت‌ها و توجیه این هزینه‌ها چنین آمده است:

«استقرار سرویس اسرائیل در جنوب در آغاز شروع فعالیت‌های برون مرزی به منظور استفاده از تجارب سرویس در امور برون مرزی بود ...»

فردوست درباره مباحث مزبور چنین گفته است:

«زمانی که در سال ۱۳۴۰ به ساواک رفتم، سرتیپ علوی کیا (قائم‌مقام سابق ساواک) فردی به نام یعقوب نیمرودی را به من معرفی کرد و گفت که محمدرضا اجازه داده است که او با ساواک رابطه داشته باشد و تبادل اطلاعات نماید. نیمرودی درجه سرهنگ دومی داشت و رئیس اطلاعات سفارت مخفی اسرائیل بود. او یک ماه بعد به دیدن من آمد و ضمن تشکر از همکاری برخی ادارات کل ساواک (ادارات کل دوم و سوم و هشتم) پاکتی به من داد، دیدم که در پاکت مبلغ ۸۰ هزار تومان (یا ۶۰ هزار تومان) وجه نقد است. از او پرسیدم که این مبلغ چیست؟ پاسخ داد: «از بدو همکاری برون مرزی هر ماهه این مبلغ به سرتیپ علوی کیا بابت هزینه‌هایی که ساواک در این همکاری متحمل می‌شود، پرداخت می‌گردد!» پاکت را به او پس دادم و گفتم: فعلاً نزد خودتان باشد تا با علوی کیا ملاقات و موضوع را مطرح نمایم. او هم پس گرفت و خداحافظی کرد. با سرتیپ علوی کیا ملاقات کردم و جریان را پرسیدم. گفت: «مدتی است که اسرائیلی‌ها سه پایگاه برون مرزی در غرب و جنوب ایران احداث کرده‌اند و بابت هزینه‌هایی که ساواک از این بابت متحمل می‌شود هر ماهه این مبلغ را به ساواک می‌پردازند که به مسئول هزینه‌های سری ساواک داده می‌شود.»

گفتم: «اگر ساواک اجازه ایجاد این سه پایگاه را داده، دیگر اجازه خانه پرسنل اسرائیلی و تهیه غذا و سایر تسهیلات که با ستاد مرکزی ساواک نیست و اینها در هر محلی که هستند رئیس ساواک آن منطقه می‌تواند تسهیلات را فراهم آورد و هزینه مربوطه را خودشان بدهند.»

در حالی که پرداخت وجه به ساواک مثل این است که بابت اجازه ایجاد سه پایگاه به مقام عالی ساواک رشوه می‌دهند. علوی کیا گفت: «هر طور مصلحت بدانید. ظاهراً راه حل پیشنهادی

شما صحیح تر است.» به این ترتیب مسئله پول منتفی شد و نیمرودی دیگر هیچ بحثی در این باره نکرد. پاکروان اهل این حرف‌ها نبود، ولی به احتمال زیاد معترضد، که رئیس قسمت اطلاعات خارجی ساواک (یعنی ادارات کل دوم و هفتم [هشتم] بود به اتفاق علوی کیا، با نیمرودی وارد معامله شده و این پول را میان خود تقسیم می‌کردند.^(۳۷)

اسرائیلی‌ها در حالی این قبیل رشوه‌ها را به سران و مقامات ساواک پرداخت می‌کردند که از همه گونه امکانات این سازمان استفاده می‌کردند و از هر گونه حمایت لجستیکی و مالی و سیاسی تشکیلات مزبور برخوردار بودند که از مهمترین آنها تهیه اوراق هویت و پوشش ایرانی برای اعضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل در ایران بود. این اقدام ساواک در واقع یک تعهد و تضمین غیر رسمی در قبال هر گونه عواقب احتمالی آن بود. به این معنا که در صورت افشای ماهیت جاسوسان سرویس اطلاعاتی اسرائیل یا دستگیری آنها از سوی کشورهای عربی هدف، این، ساواک و یا دولت ایران بود که باید هزینه و غرامت سیاسی آن را پرداخت می‌کرد و از این بابت هیچ گونه ضرر و زیانی متوجه رژیم صهیونیستی نبود. این قبیل همکاری‌ها، یک شیوه مرسوم و معمولی بین ساواک و سرویس اطلاعاتی اسرائیل در زمینه‌های مختلف بود که در گزارش ذیل از سوی اداره کل دوم خطاب به ریاست ساواک به یک نمونه آن اشاره شده است:

۱۶۰

«به طوری که استحضار دارند دوران خدمت آقای شاکری نماینده سرویس زیتون [نام رمز ایرانی نماینده سرویس اطلاعاتی اسرائیل] در پایگاه برون مرزی جنوب در تاریخ ۵۱/۲/۱۱ پایان پذیرفت و برابر اعلام نماینده سرویس زیتون در مرکز جانشین نامبرده به نام آقای یهودا یکوتیل ... چندی قبل وارد کشور شاهنشاهی گردید ...»^(۳۸)

با عطف توجه به مراتب در فوق مستدعی است در صورت تصویب، اجازه فرمایند اوامر عالی جهت صدور مدارک ایرانی (شناسنامه) برای یهودا یکوتیل به نام احمد کاشانی و همسرش به نام هایده سلطانی به اداره کل پنجم ابلاغ گردد.»

آنچه مسلم است، استقرار پایگاه‌های برون مرزی اسرائیل در نواحی مرزی ایران و حضور جاسوسان اسرائیلی، نه تنها در چارچوب مصالح سیاسی و دیپلماتیک دولت و ملت ایران نبود و منفعتی برای کشور به دنبال نداشت، بلکه در بسیاری اوقات به ضرر ملت و کشور تمام می‌شد. این موضوع بیش و پیش از هر کس برای کارشناسان و مدیران ساواک قابل تشخیص و ارزیابی بود. چند سالی پس از توقف فعالیت پایگاه‌های اسرائیلی در مناطق غرب و جنوب ایران، نمایندگان سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی برای از سرگیری فعالیت مجدد این پایگاه‌ها پیشنهادهایی به سران و مقامات ساواک ارائه کردند. این در شرایطی بود که در آن مقطع زمانی، قرارداد الجزایر بین ایران و عراق منعقد شده و تنش‌های سیاسی و اختلافات موجود بین

طرفین فروکش کرده بود. لذا فعالیت مجدد سرویس اطلاعاتی اسرائیل و جاسوسان رژیم صهیونیستی علیه عراق، آن هم از طریق پایگاه‌های مستقر در مناطق مرزی ایران عواقب سیاسی مطلوبی برای کشور و ملت ایران در برداشت. به خصوص که اسرائیلی‌ها نیز چندان بی میل در ایجاد تنش بین ایران و عراق نبودند. زیرا اساساً هرگونه اختلاف و درگیری بین ایران و کشورهای عربی و اسلامی منطقه به نفع رژیم صهیونیستی بود. بنابراین علی‌رغم نظر منفی مدیران و کارشناسان ساواک درخصوص فعالیت مجدد پایگاه‌های اسرائیلی، دست‌های مرموزی موجب شد تا این پایگاه‌ها دوباره استقرار یافته و فعالیت خود را از سر گیرند. گزارش ساواک در این باره تاریخی و قابل تأمل است:

«برابر اظهار نماینده سرویس زیتون و مذاکرات دوجانبه آتی که قرار است در تهران تشکیل گردد سرویس زیتون در نظر دارد سه مورد مشروحه زیر را مطرح نماید.

- ۱- استفاده مجدد از شبکه اطلاعاتی شمال.
- ۲- همکاری در زمینه نفوذ در اعراب از طریق اروپا.
- ۳- استقرار مجدد نماینده دوستان زیتون در جنوب.

۱۶۱

بررسی، نظریه و پیشنهاد:

۱- شبکه اطلاعاتی شمال

از سال ۱۳۴۶ شبکه‌هایی در شمال عراق جهت کسب اخبار داخلی عراق توسط عناصر بارزانی در سازمان‌های کشوری و لشگری عراق تشکیل و زیر نظر یکی از فرزندان بارزانی (مسعود) شروع به بهره برداری نموده بود... ضمن اینکه اخیراً به علت توافق ایران و عراق فعالیت این شبکه‌ها نیز متوقف گردیده است، تجدید و برقراری ارتباط با مأموران، مستلزم یک سلسله فعالیت‌هایی در داخل و خارج عراق و همچنین برآوردن توقعات بیش از حد اکراد خواهد بود. زیرا فعلاً کلیه سوابق منهدم و فعالیت‌های کلی متوقف می‌باشد و معلوم نیست به وسعت گذشته بتوان شبکه ایجاد نمود که مانند گذشته قابل بهره برداری باشد. ضمناً نباید نادیده گرفت که علاقمندی دوستان زیتون به تجدید فعالیت این شبکه اصولاً ناشی از عدم رضایت آنان از سازش ایران و عراق می‌باشد و احیای این شبکه چه از طریق کشورهای اروپایی و همجوار عراق و چه از طریق ایران وسیله دوستان زیتون [اسرائیل] بالاخره به حساب ایران گذارده می‌شود و اثرات سویی در روابط بین ایران و عراق خواهد داشت. لذا در شرایط کنونی بهتر است در این زمینه اقدام نشود...

اینک که روابط ایران و عراق بهبود یافته نمایندگان دوستان زیتون تقاضا دارند که مجدداً نماینده

خود را در جنوب مستقر نمایند. با عطف به اینکه استقرار نماینده دوستان زیتون در جنوب در ابتدا به علت استفاده از تجربیات دوستان [اسرائیلی] در امور برون مرزی بوده و در حال حاضر تجربه کافی به دست آمده و از سوی دیگر چنانچه نماینده دوستان زیتون مجدداً در آبادان مستقر گردد صرف نظر از اینکه ممکن است اعمال و رفتار گذشته خود را از جمله تماس با یهودیان و اسرائیلی‌های مقیم آبادان دنبال نمایند، احتمال دارد ادامه مجدد عملیات مشترک در جنوب با شگرد کاری که دوستان [اسرائیلی] دارند اثرات نامطلوبی در روابط ایران و عراق داشته باشد. علیهذا اصلح است که در مورد استقرار مجدد نماینده دوستان زیتون در جنوب، اقدامی به عمل نیاید.»

رای منفی مدیران و کارشناسان ساواک درباره استقرار پایگاه‌های برون مرزی و نمایندگان سرویس اطلاعاتی اسرائیل در مناطق مرزی کشور، موجب شد تا رئیس ساواک نیز با این خواست اسرائیلی به طور صریح مخالفت کند. نصیری رئیس ساواک در پاسخ به نامه مدیران ذی ربط آن تشکیلات می‌نویسد:

«شبکه اطلاعاتی شمال دیگر معنایی ندارد. شبکه همکاری در جنوب هم به مصلحت نیست.» قابل توجه اینکه ساواک منطقه خوزستان نیز در این باره گزارش بلندی تدوین و به مرکز ارسال می‌کند و به طور صریح با فعالیت مجدد پایگاه‌های برون مرزی و نمایندگان سرویس اطلاعاتی اسرائیل در مناطق مرزی شمال و جنوب کشور مخالفت می‌نماید. در این نامه به شگردها و ترفندهای منفعت جویانه اسرائیلی‌ها که عمدتاً مغایر مصالح سیاسی دولت وقت بود، به صراحت اشاره شده است.

در بخشی از نامه رئیس ساواک خوزستان چنین می‌خوانیم:

«عطف به ۲۴۳/۳۸۳۱۹ - ۵۴/۱۱/۱»

موضوع استقرار مجدد رهبر عملیات برون مرزی دوستان زیتون در آبادان و شروع همکاری مشترک با پایگاه برون مرزی، این ساواک با بررسی سوابق همکاری ۱۲ ساله دوستان زیتون در خوزستان و نتایجی که در گذشته به دست آمده به شرح زیر اظهار نظر می‌گردد:

۱- دوستان زیتون انتظار بهره کار منابع را داشته و به حفاظت آنها کمترین توجهی نمی‌نمودند و در نتیجه آخر الامر تعدادی منابع ایرانی و عراقی لو رفته و تعدادی نیز دستگیر و اعدام و تعدادی هم متواری و پناهنده شدند که هنوز از نظر تاءمین مخارج خانواده آنها ساواک با مشکلاتی درگیر است.

۲- به طور کلی عدم آشنایی رهبر عملیات برون مرزی دوستان [اسرائیلی‌ها] به زبان خارجی و بعضاً عدم آگاهی از خصوصیات اخلاقی، طرز زندگی، آداب و سنن و تعصبات مذهبی منطقه‌ای

ساکنان نوار مرزی باعث می‌گردد که اگر رهبر عملیات دوستان زیتون از ابتدای نشان کردن در جریان موقوف قرار نگیرد به نامه پراکنی و شکوه و شکایت نزد اولیای خود در مرکز می‌پردازد [...] و اگر در جریان قرار گیرند و در عملیات شرکت کنند ناخودآگاه چنان رفتار می‌کنند که نشان شده را یا بری از همکاری و یا بسیار متوقع و یا مطلع از فعالیت به نفع یک کشور بیگانه می‌نمایند [...] بعضاً دوستان زیتون مایل بودند که زیرکانه و مخفیانه منابع پایگاه برون مرزی خود را مستقیماً خود از طرق دیگری اداره نمایند [...].

۵- با توجه به توافقات سیاسی و مرزی بین دولتین ایران و عراق و تعهدات سیاسی ناشی از آن و تشدید مراقبت‌های نوار مرزی و هوشیاری دستگاه‌های ضد اطلاعاتی حریف و صدور اوامر مؤکد در زمینه رعایت کامل حفاظت در جلوگیری از لو رفتن عوامل و دیگر کارهایی که به حسن نیت سیاسی دولت شاهنشاهی لطمه بزنند. به نظر می‌رسد در حال حاضر با در نظر گرفتن موارد بالا به هیچ وجه ریسک کردن در فعالیت‌های مشترک برون مرزی و تشکیل شبکات [شبکه‌های] اطلاعاتی و گسترش آن به صلاح نباشد. زیرا دوستان زیتون به این مسأله اهمیتی نمی‌دهند و احتمالاً دلشان به حال ما نسوخته و با اوضاع و احوالی که به همین علت بعداً از نظر سیاسی بین ایران و عراق روی خواهد داد و عکس العمل اعراب روی ایران اعتنایی نخواهند نمود.

۱۶۳

نتیجه اینکه با توجه به مقدار زیاد یهودی ایرانی که در آبادان وجود دارد و شناسایی دوستان زیتون روی آنها و اینکه اکثر این یهودی‌ها در بیشتر شئون مختلف اجتماعی و تجاری آبادان و خرمشهر نفوذ کامل دارند و سابقه امر نشان می‌دهد که رفت و آمدهای مشکوک و بی‌دلیل رهبران عملیات اعزامی دوستان [اسرائیلی] در گذشته به نقاط پست و دورافتاده شهر احتمال تماس آنها را با این یهودی‌ها و یا عوامل دیگری دور از برنامه همکاری مشترک و به طور کلی دید ساواک [...] است.» (۳۹)

علی‌رغم این قبیل اظهار نظرهای مخالف کارشناسان و مدیران ساواک، این بار هم دست‌های مرموز وارد صحنه شدند و منافع اسرائیل را بر مصلحت سیاسی ایران آن دوران ترجیح دادند. به گونه‌ای که ساواک نیز بی‌هیچ‌چون و چرا، تسلیم دستوری شد که نصیری به عنوان رئیس ساواک آن را این‌گونه به تشکیلات زیرمجموعه خود ابلاغ کرد:

«اکنون شبکه‌های همکاری جنوب را شروع نمایید.»

و به این ترتیب در تاریخ ۱۳۵۵/۳/۲ نماینده سرویس اطلاعاتی اسرائیل به ایران آمد و فعالیت پایگاه‌های برون مرزی رژیم صهیونیستی در مناطق جنوب و شمال مجدداً آغاز شد و این تلاش اسرائیل در مناطق مرزی ایران تا زمان سقوط رژیم شاهنشاهی پهلوی تداوم داشت.

نفوذ در سازمان‌های فلسطینی

ساواک پوشش بسیار مناسبی برای سرویس اطلاعاتی اسرائیل به منظور نفوذ در گروه‌ها و سازمان‌های مبارز فلسطینی بود.

مجموعه شرایط سیاسی و جغرافیایی کشور ایران و نیز ساختار و موقعیت حاکم بر ساواک، بستر بسیار مناسبی برای دستگاه اطلاعاتی اسرائیل فراهم آورده بود. سرویس اطلاعاتی اسرائیل با بهره‌گیری از این بسترها و فرصت‌ها اهداف خود را در اقصی نقاط جهان، به ویژه در کشورهای اسلامی علیه مجاهدان و مبارزان و سازمان‌های فلسطینی تعقیب می‌کرد و در این مسیر از همه‌گونه مساعدت و حمایت و پشتیبانی ساواک برخوردار بود. این قبیل بهره‌برداری‌ها موجب شده بود، ساواک به مثابه ابزار و آلت دست در خدمت آرمان صهیونیسم قرار گیرد.

نامه سرویس اطلاعاتی رژیم صهیونیستی به ساواک در جهت توجیه مقامات این تشکیلات، نمونه خواندنی و قابل تامل در این باره است:

«از: سرویس زیتون

شماره گزارش: ۱۰/۱۰

تاریخ: ۷۶/۶/۸ [۱۹۷۶م/۱۳۵۵ش]

درباره: عملیات نفوذی مشترک برای نفوذ عامل به داخل سازمان جبهه خلق برای آزادی فلسطین.

پیرو مذاکرات حضوری درباره موضوع فوق، اینجانب علاقمندم فواید احتمالی این طرح را تشریح نمایم:

تردیدی وجود ندارد که جبهه خلق برای آزادی فلسطین (سازمان جرح حبش) دارای روابط نزدیکی، هم از نقطه نظر ایدئولوژیک و هم از نظر عملیاتی، با سازمان‌های افراطی سراسر جهان می‌باشد... بنابراین کاملاً ضرورت دارد که اطلاعات قابل اطمینان از میان صفوف سازمان مزبور جمع‌آوری گردد... با در نظر گرفتن این موضوع که سازمان حبش اکنون مدتی است که از سازمان‌های تروریستی در کشور شما حمایت می‌نماید، چنین به نظر می‌رسد که نفوذ در این سازمان باید مورد توجه خاص سرویس شما [ساواک] باشد... برای اجرای این چنین طرحی می‌توانیم کلیه مراحل عملیات را با یکدیگر طرح ریزی نمایم. یک کاندیدای مناسب ایرانی را می‌توان به داخل یک سازمان دست‌چپی در خارج از کشور نفوذ داد و بدین ترتیب پوشش مناسبی برای عملیات آینده او به وجود آورد...»

گزارش ساواک درباره موافقت رئیس این تشکیلات با طرح اسرائیلی‌ها چنین است :
«... تیمسار ریاست ساواک مقرر فرمودند اداره کل دوم ضمن بررسی موضوع و تماس با سرویس اسرائیل به منظور تنظیم طرح عملیاتی مورد نظر از عوامل اداره کل سوم به منظور نفوذ استفاده نماید ...»

حوزه تیمسار ریاست ساواک - محیط» (۴۰)

یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که ساواک در این مسیر از عوامل عرب غیر ایرانی استفاده می‌کرد. به گونه‌ای که در اجرای طرح پیشنهادی و مورد تقاضای سرویس اطلاعاتی اسرائیل مبنی بر نفوذ در جبهه خلق برای آزادی فلسطین از عنصری به نام «عبدالرحمن غندوره» استفاده شد و نامبرده برای اجرای نقشه مزبور به بغداد اعزام گردید.

سفارش‌های اطلاعاتی

ارتباط و همکاری بین ساواک و دستگاه اطلاعاتی اسرائیل و فراتر از آن، ارتباط و همکاری رژیم صهیونیستی با دولت و دربار شاهنشاهی ایران در حدی بود که اسرائیلی‌ها به طور گستاخانه و طلبکارانه برای خود این حق و امتیاز را قایل بودند که هر گونه اخبار و اطلاعات مورد نیاز خود را به دستگاه‌ها و یا اشخاص ذی ربط در سطوح مختلف سفارش بدهند. این سفارش‌های اطلاعاتی نه فقط ساواک و مقامات عالی‌رتبه آن تشکیلات، بلکه حتی شخص محمدرضا شاه پهلوی را نیز شامل می‌شد. در ذیل به نمونه‌هایی از این گستاخی اسرائیلی اشاره می‌شود.

«از: بهار [سرویس اسرائیل]

به: تیمسار فرازیان

تاریخ: ۷۵/۲/۵ [۱۹]

موضوع: مراسم رژه ارتش عراق

۱- مراسم رژه بزرگ ارتش عراق در تاریخ یکشنبه ۴ مه ۱۹۷۵ [۱۳۵۴] در بغداد گزارش می‌شود.

۲- مراسم از تلویزیون بغداد پخش می‌شود.

۳- خواهشمند است عکس از این مراسم را در هنگام عبور، بر روی یک نوار Video برای ما تهیه نماید.»

ساواک نیز بلافاصله به این تقاضای اسرائیلی چنین پاسخ می‌دهد:

«درباره: مراسم رژه ارتش عراق

بازگشت به یادداشت مورخه ۷/۲/۷۵ [۱۹]

بدین وسیله تعداد سه حلقه فیلم ویدئو که از مراسم سان و رژه ارتش عراق گرفته شده، به پیوست ارسال می‌گردد.»

نمونه دیگر سفارش اسحاق رابین نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی به محمدرضا پهلوی است. وی به محمدرضا سفارش می‌دهد که در ملاقات آتی خود با سادات رئیس جمهور وقت مصر، افکار و دیدگاه‌های او را درباره مسائل منطقه و اسرائیل جویا شده و به اطلاع رژیم صهیونیستی برساند.

اسحاق رابین در این نامه ضمن اشاره به دیدار سال ۱۳۵۵ خود از ایران و ملاقات با محمدرضا پهلوی نوشته است:

«علیحضرتا، در مدتی که اینجانب برای آخرین بار افتخار زیارت اعلیحضرت را داشتم، یعنی موقعی که فاصله چندانی با انعقاد قرارداد موقت با مصر نمانده بود، اوضاع مملو از حوادث مهم و تحولات ناگهانی بوده است. من اغلب مذاکرات طولانی و جالب خود را با اعلیحضرت بیاد می‌آورم که طی آن جنابعالی حمایت خود را از قرارداد موقت بین مصر و اسرائیل ابراز فرمودید. ... من همچنین معتقدم که بسیار ارزنده خواهد بود که آن اعلیحضرت طی بازدید پرزیدنت سادات از ایران از افکار او در مورد حوادث منطقه، امکانات مربوط به رفع مناقشه اسرائیل با همسایگانش و راه وصول به این هدف و مداخله سوریه در لبنان و عکس العمل [تأثیر] اوضاع لبنان بر روی حوادث منطقه و آینده لبنان مطلع شوید. بسیار سپاسگذار خواهم بود هرگاه از اندیشه‌های آن اعلیحضرت و پرزیدنت سادات در مورد این مسائل آگاه شوم.

دوستدار - نخست وزیر - اسحاق رابین» (۴۱)

۱۶۶

پانویس ها

- ۱- یان بلک، بنی موریس؛ جنگ‌های نهانی اسرائیل، ترجمه جمشید زنگنه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.
- ۲- خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست: ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، انتشارات اطلاعات: تهران: ۱۳۷۰: صص ۳۸۲-۳۸۳.
- ۳- ویلیام سولیوان و سرآنتونی پارسونز، خاطرات دوسفیر، ترجمه محمود طلوعی، انتشارات علم، ۱۳۷۲، ص ۹۵.
- ۴- ویلیام شوکراس، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، نشر البرز، سال ۱۳۷۱.
- ۵- مارک. ج. گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، نشر مرکز، ۱۳۷۱، صص ۲۰۱-۲۰۲.
- ۶- مارک. ج. گازیوروسکی؛ همان، ص ۱۶۲.
- ۷- فردوست، ج ۱، ص ۴۳۲-۴۳۴.
- ۸- همان، ص ۴۰۸.

پیمان ساواک با موساد

- ۹- همان، ص ۳۸۹.
- ۱۰- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، جستارهایی از تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، صص ۱۲۰-۱۲۱.
- ۱۱- مارک. ج. گازیوروسکی، همان، ص ۲۰۷.
- ۱۲- فردوست، همان، ج ۱، ص ۴۴۳.
- ۱۳- همان، توضیح ویراستار در پاورقی، ص ۴۴۳.
- ۱۴- همان، صص ۴۴۳-۴۴۴.
- ۱۵- همان، ص ۴۱۳.
- ۱۶- گزارش ساواک [بدون شماره]: مورخ ۲۵۳۵/۷/۱۰ [۱۳۵۵].
- ۱۷- همان.
- ۱۸- گزارش ساواک [بدون شماره] ۱۳۵۴/۱۱/۸.
- ۱۹- گزارش ساواک [بدون شماره] ۱۳۵۵/۷/۱۰.
- ۲۰- گزارش ساواک؛ شماره ۱۰۰۳/۳۴۰۴ پ، مورخ ۳۵/۱/۳۱ [۱۳۵۵].
- ۲۱- پیوست گزارش ساواک؛ شماره ۲۰۱/۱۵۰۹، مورخ ۳۵/۵/۲ [۱۳۵۵]. به نظر می‌رسد تاریخ دقیق و درست ۲۵۳۵/۲/۵ [۱۳۵۵] است.
- ۲۲- گزارش ساواک؛ شماره ۱۰۰۳/۳۴۳۳، مورخ ۳۵/۳/۱۷ [۱۳۵۵].
- ۲۳- گزارش ساواک؛ شماره ۶۲۲/۳۳۸۴۵، مورخ ۵۳/۱۱/۲۹.
- ۲۴- گزارش ساواک؛ شماره ۳۵۳/۶۰۵، مورخ ۵۴/۱۰/۲۱.
- ۲۵- گزارش ساواک ۵۰۱/۱۰۶۶۵، مورخ ۵۴/۱۱/۵.
- ۲۶- یعاکف کاروز رئیس روابط خارجی موساد در دهه پنجاه میلادی بود. او در سال ۱۹۵۴ در راستای ایفای نقش سری و اطلاعاتی خود در پاریس مستقر شده بود و دیپلماسی پنهانی ایجاد ارتباط با بعضی دولت‌های منطقه خاورمیانه را تعقیب می‌کرد.
- ۲۷- یان بلک، بنی موریس، همان، ص ۲۳۲.
- ۲۸- همان، صص ۲۳۲-۲۳۳.
- ۲۹- همان، ص ۲۳۳.
- ۳۰- گزارش ساواک، مورخ ۴۵/۳/۱۶ [ژوئن ۱۹۶۶].
- ۳۱- گزارش ساواک، شماره ۶۸۷، مورخ ۴۵/۹/۱۸.
- ۳۲- گزارش ساواک، شماره ۱۰۰۶، مورخ ۴۵/۱۱/۲۹.
- ۳۳- گزارش ساواک، شماره ۷/۳۰/۴۰۹۹۱، مورخ ۴۷/۱۱/۱۲.
- ۳۴- گزارش ساواک، شماره ۱۷۳۲، مورخ ۴۹/۵/۲۰.
- ۳۵- فردوست، همان، ج ۱- صص ۳۶۷-۳۶۸.
- ۳۶- همان، ص ۳۷۰.
- ۳۷- همان، صص ۳۶۶-۳۶۷.
- ۳۸- گزارش ساواک؛ مورخ ۱۳۵۱/۷/۱.
- ۳۹- گزارش ساواک، شماره ۶۷۲۶۴/ح، مورخ ۵۴/۱۱/۱۵.
- ۴۰- گزارش ساواک، شماره ۱۰۰۰/۳۶۷۰ پ، مورخ ۳۵/۳/۱۹ [۱۳۵۵].
- ۴۱- در متن ترجمه فارسی این نامه تاریخ ۲۸ خرداد ۲۵۳۵ [۱۳۵۵] قید شده است.